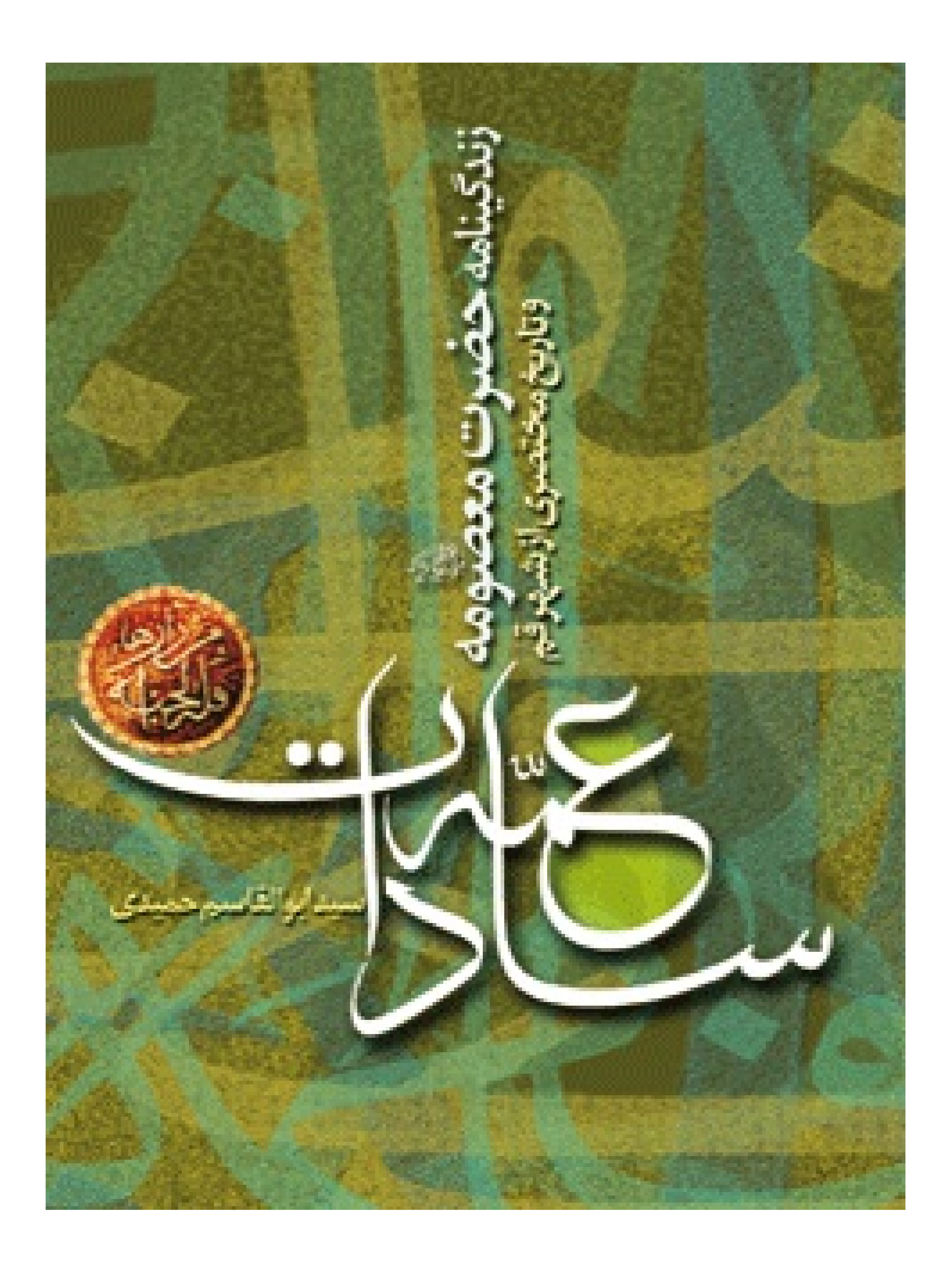

زندگینامه حضرت معصومه
و تاریخ مختصری از شهر قم
من زارها فله الجنة
سید ابوالقاسم حسینی


بسم الله الرحمن الرحیم

عمه سادات زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها)

نویسنده:

ابوالقاسم حمیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عمه سادات زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها

مشخصات کتاب

سرشناسه : حمیدی، ابوالقاسم

عنوان و نام پدیدآور : عمه سادات زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها : و تاریخ مختصر شهر مقدس قم/ابو القاسم حمیدی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۰۳ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۹۷-۴

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۹۰(فیپا).

موضوع : معصومه (س) بنت موسی کاظم ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ق

موضوع : معصومه س بنت موسی کاظم ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ق -- کرامت ها

موضوع : قم -- تاریخ

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

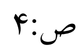
رده بندی کنگره : BP۵۲/۲/م۶ ح۸ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۶

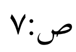
شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۳۵۰۰۸

ص:۱

اشاره






ص:۷

سخن ناشر

امروز دنیای اسلام به قم و حوزه علمیه با برکت آن که سرچشمه دانش، فضیلت و تقوا است افتخار می کند، سربلندی او را سربلندی خود، آبادانی آن را آبادانی خود و عزت آن را عزت خود می داند. همین ویژگی ها است که شهر قم را از دیگر شهرها متمایز می کند و آن را کاملاً منحصر به فرد می نماید. قم الگوی بیداری اسلام، خیزش حرکت انقلاب و ظلم ستیزی است و البته که در زمینه های دیگر و عرصه های گوناگون هم باید الگو باشد. قم به یُمن وجود با برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قابلیت آن را دارد که در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عمرانی، اقتصادی، در بالاترین جایگاه قرار گیرد و نمونه ای از مدینه فاضله اسلامی را به دنیا معرفی کند. قم از استعداد بالایی برای پیشرفت و رشد برخوردار است به شرطی که مسؤولان محترم با درک موقعیت و جایگاه ویژه شهر حضرت معصومه علیها السلام از تمام ظرفیت ها، استعدادها و امکانات برای رسیدن به این چشم انداز استفاده کنند.

خدمت به قم خدمت به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است و خدمت به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خدمت به رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله است و چه افتخاری برای مسؤولان بهتر و بالاتر از این؟ امروزه ده ها و صدها هزار زائر مشتاقانه خود را به قم می رسانند و به رغم آب و هوای کویری و نامناسب و امکانات بسیار کم، رنج

سفر را بر خود هموار می کنند تا بهره ای از فیوضات حرم مطهر و مسجد مقدس جمکران برده و دل و جانشان را با نور اهل بیت علیهم السلام منور گردانند.

به همت مسؤولان محترم، کنگره ها و اجلاسیه های خوبی در بزرگداشت مقام والای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت قم برگزار شده و می شود، امّا چه خوب است در کنار این برنامه های فکری، برنامه ای برای آشنایی هرچه بهتر و بیشتر توده مردم به خصوص دانش آموزان و دانشجویان با شخصیت نورانی کریمه اهل بیت و رعایت شؤونات و آداب همجواری با حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به عمل بیاید، اگر چنین شود، هنگام اقامه نماز جماعت در حرم مطهر، کسبه محترم، به خصوص کسبه اطراف حرم مطهر، به نماز جماعت و ادای نماز اوّل وقت در حرم مطهر اهتمام بیشتری می ورزند.

فضای شهری که ملقب به حرم اهل بیت است باید به گونه ای باشد که از در و دیوار آن معنویت ببارد و هرکس وارد این شهر شود تحت تأثیر این فضای فرهنگی و ملکوتی قرار گیرد و اثرات معنوی و فرهنگی آن، جای جای نقاط کشور عزیزمان و حتی دیگر نقاط جهان را فراگیرد.

سخن آخر این که همه موظفیم برای تحقق منویّات و دیدگاه های معصومین علیهم السلام تلاش کنیم و قم را به گونه بسازیم که آن بزرگواران انتظار دارند.

و امید است در پناه حضرت حق جل و علا و عنایت ویژه حضرت مهدی «عجل اللّه تعالی وجه الشریف» بتوانیم در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، اهداف بلند حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای «دام ظله» را عملی سازیم و شهری در خور شأن کریمه اهل بیت علیهم السلام را داشته باشیم در

پایان از عزیزان همکار در انتشارات و مسجد مقدّس جمکران به ویژه حضرت آیت اللّه وافی که با عنایت خود مشوق ما هستند و برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین سیّد ابوالقاسم حمیدی که زحمت جمع آوری این مجموعه را کشیده اند کمال تشکر و امتنان را داریم.

مدیر مسؤول انتشارات

مسجد مقدس جمکران

حسین احمدی

ص:۱۳

فصل اوّل: تاریخ قم

تاریخ قم

قم از حیث تقسیمات جغرافیایی در ناحیه کویر مرکزی ایران قرار دارد، از طرفی با تهران و از یک طرف با ساوه و از طرف دیگر با اصفهان و کاشان همسایه می باشد. کلمه قم بنابر نقل صاحب کتاب معجم البلدان به ضم قاف و تشدید میم است، و از بلاد و شهرهایی است که بنای آن به زمان اسلام رسیده و اثری از عجم در او یافت نمی شود، مورخ نامبرده مطالب زیادی درباره قم مثل آب و هوا و طریقه جمع نمودن آب در زمستان و استفاده از آن را در تابستان و نگه داری آن نقل می کند. چنانچه در فراز دیگری می گوید: اهل قم تمامی شیعه دوازده امامی هستند، و در زمان حجاج بن یوسف (سال ۸۳ قمری) عبدالرحمن فرزند محمّد ابن اشعث که حاکم سجستان بود بر علیه حجاج قیام کرد که در لشکر او عدّه ای از تابعین صحابه بودند، و چون در این قیام شکست خورد و به کابل فرار کرد، پنج نفر از سپاهیان او به نام عبداللَّه، احوص، عبدالرحمن، اسحاق و نُعیم که از فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری بودند به قم آمدند و آنجا را مسکن و جایگاه خود قرار دادند. در آن زمان قم خود متشکل از هفت قریه کوچک بود که نام یکی از آنها کُمنْدان بود، این جماعت از عرب ها داخل شدند و ساکنین

آنجـا را کشـتند و بر این نـاحیه مسـلّط شدنـد تـا حـدّی که پسـر عموهـای آنها نیز به آنها ملحق شـده و این هفت قریه را محل واحدی قرار داده و اسم آن را کُمُنْدان گذاردند و بعد از آن در اثر گذشت زمان و تغییر حروف آن تبدیل به قم شد.

و در میان این برادران، ارشـد آنها عبداللّٰه بن سـعد بود که فرزندی داشت که در کوفه تربیت یافته بود، بعد از آن به قم آمد و او تشیّع را از کوفه به قم منتقل نمود، به حـدّی که در آن زمان که تشیّع در اقلیّت کمی بود، در قم حتی یک سـنّی پیـدا نمی شد.

از حکایات ظریفه ای که نقل می کنند این است که در یکی از زمان ها حاکم سنّی متعصبی حکومت می کرد، شنید که مردم قم خلفای غاصب بعـد از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله را لعن می کننـد، به حـدّی که در میان آنها شخصـی به نام ابوبکر و عمر یـافت نمی شود، روزی شخصـی را فرسـتاد و رؤسـا و بزرگـان اهـل قم را دعوت کرد و به آنهـا گفت: شـنیده ام که شـما صحابه رسول خدا صـلی الله علیه و آله را لعن می کنید، و با آنها دشمن هستید، و بچه های خود را به نام آنها نام گذاری نمی کنیـد، من قسم خورده ام به خداونـد بزرگ که اگر شخصـی را پیـدا نکنید و نیاورید که اسم او ابوبکر و یا عمر باشد، شـما را سخت عقوبت خواهم کرد. بزرگان قم از حاکم مهلت خواسـته تا این چنین شخصی را پیدا کنند، کوشش ها به نهایت رسید و کسی را پیدا نکردند، تا یک نفری غریب را پیدا کردند که از هر جهت دارای نقص عضو و از حیث شکل و قیافه بدترین خلق خدا بود او را به نزد حاکم آوردند، حاکم تا این مرد را دید شـروع کرد به فحش دادن به بزرگان قم که شـما بد شکل ترین و بدقیافه ترین خلق خدا را آورده اید تا آبروی مرا ببرید؟ و دسـتور داد تا آنها را زندانی کنند، در این حال یکی از ظریفان قمی گفت: ای امیر! هر کاری

می خواهی انجام بده، اینجا قم است و آب و هوای قم کسی که اسمش ابوبکر و یا عمر باشد بهتر از این تربیت نمی کند. حاکم خندید و از گناه آنها درگذشت و امر کرد که آنها را آزاد کنند.(۱)

این موقعیت قم بود تا زمانی که خود شهری مستقل شد و بعد از آنکه محل مرقد حضرت معصومه علیها السلام شد، بر موقعیت اجتماعی آن افزوده گردید و محل و مأوایی شد برای شیعیان ستمدیده که از ظلم و جور خلفای بنی عباس فرار می کردند. ولی زمان مقارن شد با حمله گسترده مغولان و شهر قم نیز از وحشیگری آنها مصون نماند و تبدیل به تلّی از خاک گردیده و این واقعه تأسف بار در دفعات متعددی در تاریخ قم تکرار شده است که عبارت اند از: حمله مأمون عباسی به سبب امتناع مردم قم از دادن خراج و مالیات، قتل عام در زمان معتزّ عباسی پسر متوکل، قتل عام و تخریب شهر در زمان امیر تیمور گورگانی، خراب شدن قم در زمان حمله افغانی ها به سرپرستی محمود افغان و اشرف افغان در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، کشتار بی رحمانه آقا محمّد خان قاجار و نادر شاه افشار.(۲)

چرا قم را (قم) گفتند؟

علل مختلفی برای وجه نام گذاری این شهر به (قم) ذکر کرده اند، ما در اینجا به طور اختصار هر یک از آن ها را خاطرنشان می کنیم:

۱ - کلمه (قم) معرّب (کوُمه) است، با این توضیح: که این سرزمین پیش از

۱- ۱. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۸.

۲- ۲. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۵۴.

آن که به صورت شهر درآید، دارای گودال های پرآبی بود، چوپانان گوسفندان خود را برای آشامیدن آب و چریدن در سبزه زارهای اطراف آن گودال ها می برده اند. به تدریج چوپانان به خاطر توقف طولانی در آن سرزمین مسکن های موقتی که به فارسی به آن (کوُمه) می گویند، ساختند. این کوُمه ها کم کم زیاد شد و به صورت قریه ای درآمد، رفته به صورت شهر درآمد، و به نام همان کومه یا کوم برای آن باقی ماند.

پس از ظهور اسلام و نفوذ زبان و ادبیات عرب، بسیاری از کلمات فارسی تغییر شکل داد و از جمله کوم مبدّل به قم گردید، همان طور که کرمانشاهان (قرمیسین) خوانده شد.(۱)

۲ - رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج، مشاهده کرد که ابلیس در این سرزمین نشسته است فرمود: قُمْ یامَلْعُون؛ برخیز و از اینجا برو) ای ملعون. از این رو اسم این سرزمین را (قم) نهادند.(۲)

در این معنا شاعر نیکو سروده است:

به ابلیس گفتا شه دین که قم

از این بقعه ملعون تو می باش گم

به قم گفتن سیّد المرسلین

مسمی به قم گشت این سرزمین

۳ - نیز روایت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج به بقعه ای در سرزمین جبل نظر کردم، که از نظر رنگ زیباتر از زعفران و از نظر بوی، خوشبوتر از مشک بود و شخص پیری در آن نشسته و بر سرش برنُسی (کلاه دراز) بود. گفتم: ای جبرئیل این بقعه چیست؟ عرض کرد: این بقعه ای است که

۱- ۳. قم را بشناسید، ص ۳۶.

۲- ۴. انوار مشعشعین، ج ۱، ص ۹۷.

شیعیان علی علیه السلام در آن به گرد هم می آیند، گفتم: این شخص کیست؟ گفت: ابلیس است، گفتم او از آن ها چه می خواهد؟! گفت: می خواهد آنان را از ولایت و دوستی علی علیه السلام منع کند و به سوی فسق و فساد سوق دهد، گفتم: مرا بر زمین فرود آر، از برق تندتر بر زمین آمدیم، نزد او آمده و گفتم: (قم یا ملعون - برخیز) ای دور افتاده از رحمت خدا، با طایفه مرجئه دشمنان آن ها در زن و مالشان شرکت کن، چه آن که اهل قم شیعیان من و شیعیان وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند. از این رو به این سرزمین (قم) گفتند.(۱) قریب به این روایت، روایت دیگری در سفینه البحار ج ۲، ص ۴۵۵ و بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۰۷ آمده است.

نور محمّدی چو به معراج در رسید

ابلیس را به بقعه قم با سپاه دید

زد بانک احمدی که بشو دور ای پلید

این سرزمین بهشت، نه جای تو و مرید

اُخرج تو ای لعین و پلید و تباهکار

۴ - امام هادی علیه السلام فرمود: قم را از آن جهت قم گفتند، چون کشتی حضرت نوح صلی الله علیه و آله در آن طوفان معروف در این زمین ایستاد و این سرزمین قسمتی از بیت المقدس است.(۲)

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: قم را قم گفتند چون اهل قم با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام قیام می کنند و به نصرت و پشتیبانی آن حضرت می روند.(۳)

۱- ۵. انوار المشعشعین، ج ۱،ص ۹۷.

۲- ۶. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۳- ۷. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۶ - بعضی گویند: به واسطه رودخانه و مسیله و دریاچه و گودال های فراوان پرآبی که در اطراف قم دیده می شوند و عرب به جایی که پرآب باشد قمقمه می گویند، از این رو با حذف زواید این سرزمین را قم گفته اند.

۷ - یکی از وجوه نام گذاری قم را چنین گفته اند: قبلاً اسم قریه های قم، کمندان بود سپس بعضی از حروف کمندان را انداختند و آن گاه کُم به معرّب و مبدل به قم کردند.(۱)

این سرزمین اسم های دیگری هم دارد که آن ها را صاحب کتاب انوارالمشعشعین در جلد ۱، صفحه ۹۶ با استفاده از روایات نام برده و می گوید: زیادی اسم دلالت برافزایش شرافت کند... و آن نام ها از این قرار است: زهرا، ارض جبل، قطعه من بیت المقدس، مطهره مقدسه، مجمع النصار القائم، حرم اهل البیت، حجه علی العباد، استراحتگاه مؤمن، آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله، کوفه صغیره، مختار البلاد، مقصم الجبارین، بلد الائمه، بلد شیعه الائمه، امان للخائفین، باب الجنه، بلد الامین، مرفوف الملائکه، خاک فرج، محروس الملائکه، مزین بالعرب....(۲)

۱- ۸. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.حضرت آیت اللّٰه العظمی نجفی مرعشی رحمه الله فرمودند: به نظر من اصح وجوه همین است که قم معرب کم است والان هم در کنار کوچه رهبر قم نهری به نام نهر کمندان معروف است.
۲- ۹. این نام ها از لابلای اخباری است که در فضیلت قم از امامان معصوم علیه السلام وارد شده. حضرت آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی رحمه الله می فرمود: یکی از اسم های معروف قم {جنه البلاد} بوده است. و نیز اسم دیگر آن که اکنون نیز معروف است (در بهشت) می باشد و چون مجاور حضرت علی بن جعفر علیه السلام دروازه مهم شهر بوده به همین مناسبت آنجا معروف به در بهشت است و گرنه یکی از نام های خود قم [در بهشت]باب الجنه است. شرح بیشتر در مورد علت نام گذاری به قم را در کتاب گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۷۷ تا ۸۸ بخوانید.

قم قبل از اسلام

تاریخ، قیافه قم را قبل از ظهور اسلام درست نشان نمی دهد، ولی آنچه که مسلم است این که قم قبل از اسلام آبادیِ دارای سکنه بوده و در لابلای تاریخ به آن اشاره ای شده است، امّا حدود قم به طور کلی، خصوصیات آن در زمان ها و قرون قبل از ظهور اسلام به خوبی روشن نیست. به نظر می رسد که قم قبل از اسلام به صورت قلعه های متعدد بوده و ساکنان برخی از آن ها زرتشتی و بعضی دیگر یهودی بوده اند و شهر شدن آن، چنان که خاطر نشان می شود به دست اشعری ها شده که اصلاً از نژاد عرب یمنی و شیعه بودند و لذا ایشان نزد اهل تاریخ از مفاخر قم به شمار آمده اند، و شهر شدن قم ملازم با تشیّع و ولایت خاندان نبوّت علیهم السلام بوده است.(۱)

برخی مورخان قدیم، نام بعضی از نامداران پیش از ظهور اسلام را که در قم حکومت کرده اند، ذکر کرده اند؛ نویسنده کتاب انوار مشعشعین(۲) به نقل از کتاب سیر الملوك عجم می گوید: بهرام گور(۳) به جانب بلاد ارمنیه می رفت، گذرش به سوی اطراف ساوه افتاد، قم و روستاهای آن را بنا کرده و به نام

ص:۲۰

۱- ۱۰. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۵.

۲- ۱۱. صاحب کتاب شریف {انوار المشعشعین} محدث خبیر مرحوم محمّد علی بن حسین بن علی بن بهاء الدین کاتوزیان کچوئی قمی از علمای قرن چهاردهم است و کتاب نامبرده را در سال ۱۳۲۵ هجری قمری نگاشته است. وی داماد مرحوم حجه الاسلام آقای آمیرزا ابوالحسن فرزند مرحوم حجه الاسلام آقای حاج ملا صادق صاحب مدرسه معروف در قم (مدرسه حاج ملا صادق) بوده و این کتاب سه جلد است. جلد اوّل آن فقط چاپ شده که درباره قم و تاریخ ورود حضرت معصومه علیها السلام و ...می باشد. جلد دوم آن درباره امامزادگان و جلد سوم آن درباره محدّثین قم است که هنوز چاپ نشده است. جلد اوّل با چاپ سنگی است که در سال ۱۳۲۷ قمری در ۲۴۳ صفحه به چاپ رسیده است.

۳- ۱۲. پسر یزدگرد از پادشاهان دلاور ایران باستان است که پس از پدر به جای او نشست و در زمان سلطنت خود فتوحات و پیروزی های او بر دشمن بسیار بوده است، وی در سال ۱۸۴ قبل از هجرت دیده از جهان فرو بست.

(ممجان)گذاشت(۱) ولی با توجّه به محل اصلی شهر قم که خرابه های آن اکنون در یک کیلومتری شرقی شهر مشاهده می شود و همچنین از نام های روستاهای اطراف شهر، وضع زندگی ساکنان این روستاها، برای انسان شکّی باقی نمی ماند که شهر قم برخلاف گفته «یاقوت حموی»(۲) از شهرهای ساخته شده دوره اسلام نیست، بلکه مدت ها پیش از ظهور اسلام وجود داشته و از شهرهای آباد ایران بوده است.

نام قم و توصیف زعفران آن در کتاب (خسرو وکواذان وریذک) از آثار زمان ساسانی(۳) ذکر گردیده است.

به علاوه سندی در دست داریم که اسکندر مقدونی(۴) قم را نیز ویران کرد، به احتمال قوی آبادی قم از زمان هخامنشیان(۵) شروع گردیده است.(۶) قدمت این شهر و بنای آن را به یکی از پادشاهان پیشدادی؛ یعنی تهمورث(۷) نسبت داده اند، شکی نیست که در زمان ساسانیان، قم معروف بوده است و در شاهنامه فردوسی(۸) هم سه جا نام قم ذکر شده است.(۹)

۱- ۱۳. انور المشعشعین، ج ۱، ص ۱۵.

۲- ۱۴. شهاب الدین ابو عبدالله، یاقوت بن عبداللّه حموی صاحب کتاب {معجم البلدان} از علمای برجسته و جغرافی دان های برازنده اسلام در قرن ۱۳ میلادی (وفات یافته ۱۲۲۹ میلادی) است.

۳- ۱۵. ساسانیان پادشاهانی بودند که پس از اشکانیان؛ یعنی در حدود ۲۲۶ سال قبل از میلاد، زمام حکومت ایران را به دست گرفتند، پس از ظهور اسلام در قرن اول هجری توسط حمله مسلمانان شکست خوردند.

۴- ۱۶. اسکندر مقدونی، در سال ۳۳۰ قبل از میلاد به ایران حمله کرد و بر ایران مسلط شد، در همان عصر سلسله هخامنشی پایان یافت، وی در سال ۳۲۳ قبل از میلاد درگذشت.

۵- ۱۷. هخامنشیان، سلسله پادشاهان ایران باستان هستند که در سال ۵۵۸ قبل از میلاد سلطنت آنان توسط کوروش بزرگ شروع شد تا آن که سال ۳۳۰ قبل از میلاد توسط اسکندر مقدونی منقرض گردید.

۶- ۱۸. قم را بشناسید، ص ۳۷.

۷- ۱۹. دومین شاه پیشدادی که اوّلی آن ها کیومرث بوده است.

۸- ۲۰. حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی بزرگ ترین حماسه سرای تاریخ ایران و یکی از برجسته ترین شاعران جهان است، وی در سال ۳۲۹ ه.ق در دهکده {باژ} طوس متولد شد و در حدود هشتاد سال عمر کرد و در سال ۴۱۱ ه.ق دیده از جهان فرو بست (ناگفته نماند در تاریخ تولد و فوت او اختلاف است آنچه در اینجا نگاشته شده صحیح تر به نظر می رسد) لغت نامه دهخدا.

۹- ۲۱. راهنمای قم صفحه ب.

قم پس از اسلام

در اوایل قرن اوّل یعنی سنه ۲۳ ه.ق هنگام حمله مسلمانان به ایران، شهر قم توسط ابوموسی اشعری(۱) فتح گردید و بعضی فتح قم را به احنف بن قیس نسبت می دهند. کم کم رفت و آمد و نفوذ اعراب در قم، راه را برای آنها باز کرد، سرانجام در زمان خلافت عبدالملک بن مروان گروهی از عرب های منسوب بن (بنی الاشعر) به قم پناهنده شدند و به تدریج قم را تحت نفوذ خود قرار دادند.

مهاجرت شیعیان کوفه به قم و تشیّع قمی ها

با این که در صدر اوّل اسلام همواره شیعه در فشار سخت گیری های حکّام و زمامداران جور بود، ولی مردم روشن بین، حقیقت را به زودی درک کردند و به دنبال آن رفتند. در زمان خلافت عمر، وقتی که مسلمانان به ایران حمله کردند و یزدگرد سوم را در نهاوند شکست دادند، رفته رفته سپاه اسلام بر سراسر ایران مسخّر شد و یزدگرد به خراسان گریخت و به دست آسیابانی در مرو کشته شد.

در سال ۲۲ هجری؛ یعنی یک سال بعد از واقعه نهاوند، سپاهیان عرب شهرهای ری، زنجان، آذربایجان و شهرهای قومس را که شامل سمنان و دامغان و شاهرود امروزی است تحت سلطه خود درآورند و سال بعد

---

۱ - ۲۲. ابوموسی اشعری {عبداله بن قیس} از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در زمان آن حضرت به حکومت زبید، عدن و سواحل یمن منصوب گردید، در زمان عمر و عثمان، حکومت بصره، کوفه و یمن را داشت. و در زمان حضرت علی علیه السلام نیز مدّتی زمامدار کوفه بود. ریحانه الادب، ج ۱.

(۲۳هجری) همدان، قم، کاشان و اصفهان به دست ایشان افتاد. در این عصر اکثر مردم روشن بین ایران، دین مقدّس اسلام را پذیرفتند.

قابل توجّه این که: در زمان امامت پیشوای پنجم شیعه امام باقرعلیه السلام در اواخر قرن اول و سال های آغاز قرن دوم هجری به خاطر اختلال وضعی که در حکومت امویان پیدا شد، شیعیان از اطراف کشورها پروانه وار در محور وجود پیشوای پنجم امام باقرعلیه السلام اجتماع کرده و به کسب معارف دینی پرداختند.(۱)

هنوز قرن اول هجری تمام نشده بود که بر اثر آمدن چند نفر از کوفه به قم که شیعه بودند، قم را شیعه نشین کردند و مردم به مذهب اهل بیت علیهم السلام گرویدند. کشور شیعه نشین ایران که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن شیعه هستند خود یک حقیقتی را بازگو می کند و آن این که: با این که ایران توسط طرفداران خلیفه دوم فتح شد، دیری نپایید بر اثر آزادی و قضاوت آزاد، مردم به آیین مبارک جعفری معتقد شدند. همان گونه که ملاحظه کردید، تنها چند نفر محدود کافی بودند که مردم قم را به مذهب تشیع رهنمون سازند.

باری آن طوری که از لابلای تاریخ استفاده می شود، قم در حدود دو قرن (یعنی از نیمه قرن دوم تا نیمه قرن چهارم) بسیار آباد، وسیع و پرجمعیت بود، ولی پس از آن حوادث متعدد دگرگونی هایی را در این سرزمین ایجاد کرد و این آبادی به ویرانه هایی تبدیل شد و در این مسیر، قم بارها آباد و ویران شده است.

چنان که نویسنده کتاب تاریخ قدیم قم، ضمن این که اهمیت و دشواری

۱- ۲۳. شیعه در اسلام علامه طباطبایی، ص ۲۵.

نگارش تاریخ قم را خاطر نشان می سازد، می گوید:... از جمع اخبار، شهری که محل او مندرس شده و اهل او منقرض گشته، و از آن نام و نشانی مانده.(۱)

قم آماده استقبال از آل علی علیه السلام

این سرزمین با آن همه خاطراتی که داشت قرن اوّل و دوم هجری برسرش چنین گذشت و چنان که یادآور شدیم، بذر مذهب شیعه در نیمه دوم قرن اول هجری در این سرزمین پاشیده شد، و دیری نپایید که به صورت یک شهر به تمام معنا شیعه درآمد، در این مدّت، قم آماده استقبال و پذیرایی از آل علی علیه السلام بود، کافی بود که هر یک از دودمان پیامبرصلی الله علیه و آله به این سرزمین آید و با کمال عزّت و احترام زندگی کند برهمین اساس، بسیاری از مردان نامی و سادات جلیل القدر و نواده های پیشوایان مذهب شیعه به این سرزمین آمدند. در رأس آن ها دختر بزرگ و با عظمت حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام پیشوای هفتم شیعیان، حضرت معصومه علیها السلام بود که به قم آمد، از همان زمان، قم فصل نوینی را در تاریخ اسلام آغاز کرد، و ورود این بانوی بزرگوار که سال ها قبل، پیشوایان شیعه خبر اجلال نزول او را به قم به دوستان خود داده بودند، چون خورشیدی به قم درخشش داد.

قم تا سال ۱۲۲۱ میلادی (قرن هفتم ه.ق) در نوعی آرامش نسبی به سر برده، و تا این تاریخ واقعه مهمی رخ نداده است. ولی در همین سال این شهر، مورد دستبرد سپاهیان غارتگر مغول شده، ویرانی های بسیار به آن وارد آمده است.

۱- ۲۴. ترجمه تاریخ قدیم قم، ص ۱۳

در حـدود کمتر از نیم قرن پس از آن تیمور لنگ(۱) به قم حمله کرد و پس از زحمت بسـیار و مقاومت شدیـد طولانی مردم، شهر را تحت سـلطه خود درآورد و بسـیاری از مردم این شـهر را به خاطر مقاومت های شجاعانه ای که ابراز داشته بودند از دم تیغ گذراند و قسمت اعظم شهر را ویران نمود.

استقبال مردم قم از فرماندار شیعه

فرمانـدارانی که از طرف خلفای عباسـی برای قم تعیین می شدنـد، مردم قم آن ها را نمی پذیرفتند، مگر این که شـیعه باشد. از این رو خلفا معمولاً افرادی را به عنوان فرماندار به قم می فرسـتادند که شـیعه باشـند، یکی از این موارد فرستادن شخصی به نام حسـین از طرف خلیفه وقت (در عصر محمّد بن عثمان دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام) بود. او می گوید: از بغداد به سـوی قـم حرکـت کرد، او می گویـد در راه بـا خـود فکر می کردم کـه من برای جنـگ بـا مردم قم می روم ولی وقـتی که به نزدیک قم رسـیدم، گروهی از مردم قم به اسـتقبال من آمدند و گفتند: ما با کسی می جنگیدیم که از نظر مذهب با ما مخالف بود، ولی چون تو با ما موافق هستی، با تو جنگ نـداریم، و اینک وارد شـهر بشو، و هرگونه که می خواهی، امور قم را تدبیر و اداره کن.

حسـین می گوید: وارد قم شدم، به ناهنجاری های قم سـر و سامان دادم، و مردم از من راضـی بودند، وضع مالی و حال من نیز خوب شد، ولی حاسدان در

۱- ۲۵. تیمور لنگ اولین پادشاه تیموریان، مردی بی رحم و سـفاک بود. با تاخت و تاز و بی باکی عجیبی در سن چهل و پنج سالگی بر خراسان تاخت. رفته رفته سراسـر ایران را تحت سـلطه خود آورد سرانجام در سال ۸۰۷ قمری، در سن هفتاد سالگی درگذشت، مقبره وی {گورامیر} در شهر سمرقند معروف است.

نزد خلیفه از من بـدگویی کردنـد، خلیفه نیز مرا که در مـذهب تشـیع و طرفـدار مردم قم بودم از فرمانداری عزل کرد، به بغداد بازگشـتم، در آنجـا محمّـد بن عثمـان عَمْری (نایب خاص امام زمان علیه السـلام) به دیـدار من آمـد... و خمس اموالم را به او دادم.

و از شک و تردیدی که قبلًا نسبت به ناحیه مقدسه امام عصرعلیه السلام داشتم بیرون آمدم و به حقّانیت آن اطمینان یافتم.(۱)

قم مرکز شیعیان

علّامه قاضی نوراللَّه شوشتری(۲) در کتاب مجالس المؤمنین(۳) می گوید: بلده قم شـهری عظیم و بلده کریم است، و از جمله بلادی است که همیشه دارالمؤمنین بوده است، و اکابر، افاضل و مجتهـدان شـیعه امامیّه از آنجا برخاسـته انـد و انتساب به چنین جایی، از اقوی ادّله صـحت عقیده منسوب به آن است؛ یعنی هرکس که بگوید: من قمی هسـتم، حتماً شـیعه است چنان که در این باره گفته اند: «مَنْ یَنْسِبُ إِلی قُمْ فَکَانَّما یَنْسِبُ إِلَی التَّشَیُّعِ وَ الرَّفْضِ فَیَقُولُونَ قُمّیٌ رافِضّیٌ» «کسـی که خود را به قم نسـبت دهد، گویا به مذهب شیعه و رفض(۴) نسبت داده و می گویند او قمی رافضی است.»

۱- ۲۶. کشف الغمه ج ۲، ص ۲۵، ص ۵۰۲.

۲- ۲۷. قاضـی نور اللَّه از علمای برجسته شیعه و هم عصر شیخ بهایی {قرن ۱۱ ه.ق} بوده است، وی به جرم انتساب به تشـیع، در هند شهید شد، مرقد مطهرش در اکبرآباد هند مزار شیعیان است.

۳- ۲۸. جلد ۱، ص ۳۴.

۴- ۲۹. اهـل تسـنن به شـیعیان رافضـی می گوینـد، به این بیـان که شـیعیان ترک کردنـد گفتـار زیـد بن علی را که گفته بـود بدگویی از ابابکر و عمر و عثمان نکنید، مجمع البحرین واژه رفض.

مردم قم قبل از اسلام، بسان سایر مردم ایران مجوسی و زرتشتی و آتش پرست بودند، و آتشکده معروف قم نشانه این موضوع است، وقتی که فرزندان سعد بن مالك اشعری از کوفه به قم آمدند، رفته رفته، مذهب تشیع به وسیله آن ها در قم رواج پیدا کرد به طوری که تمام مردم قم شیعه شدند. در ایران نخستین شهری که به مذهب شیعه گرایید قم بود، هنگامی که اهل اصفهان هنوز اهل تسنن بودند وقم تابع اصفهان بوده در مذهب بین این دو شهر جدایی افکنده شد.

در سال ۳۲۵ه.ق بین مردم قم و اصفهان نزاع و جنگ سختی درگرفت، سببش این بود که گروهی از مردم قم به عنوان تجارت به اصفهان رفته بودند، و در آنجا از خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) بدگویی نموده بودند، اهل اصفهان که سنّی بودند گروهی از اهل قم را در این کشمکش کشتند و اموالشان را غارت کردند.(۱)

و براساس همین موضوع بود که اهل قم همواره مورد شك و اعتراض متعصبین اهل تسنن بوده و در این راه گرفتاری هایی برای آنان رخ داد.

قم شهر قیام و خون

مردم قم از شهادت امام رضاعلیه السلام آگاه شدند و چنین باور کردند که مأمون آن حضرت را به شهادت رسانده است، وقتی که مأمون به بغداد رفت مردم قم به عنوان اعتراض به او از دادن مالیات به حکومت سرباز زدند و مدت هفت سال (از سال ۲۰۴ تا ۲۱۱ ه.ق) این وضع ادامه یافت و مردم قم همچنان از حکومت مأمون، نافرمانی می کردند، مأمون شخصی به نام (علی بن هشام) را با نیرویی

۱- ۳۰. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۵.

مجهز برای سرکوب شورشیان به سوی قم فرستاد. علی بن هشام با سپاه خود، وقتی که به قلعه قم نزدیک شد، مردم قم دروازه های قلعه را به روی آن ها بستند، علی بن هشام و سپاهش در پشت دیوار قلعه چادر زدند و خیمه به پا کردند و قلعه را به محاصره درآوردند و سرانجام از راه های قنات ها به داخل قلعه نفوذ کرده و دروازه ها را گشودند و وارد قلعه قم شدند.

یحیی بن عمران اشعری شیخ و بزرگ قمی ها را با چند تن دیگر از سران قم کشتند، قسمت هایی از قلعه را خراب کردند و مالیات های عقب مانده را وصول نمودند و سپس علی بن هشام شخصی به نام (علی بن عیسی طلحی) را حاکم قم کرد، و خود به بغداد بازگشت. مردم قمی به بازسازی قم و جبران ویرانی ها پرداختند و در سال ۲۱۵ه.ق بار دیگر بر ضد حکومت مأمون شورش نمودند به طوری که حاکم نصب شده از طرف او (علی بن عیسی طلحی) را از قم اخراج کردند.

طلحی به بغداد رفت و ماجرا را به مأمون گزارش داد، مأمون (عبدالرحمن بن مفلج ترک) را همراه سپاهی، به قم فرستاد، مردم از ورود او به شهر جلوگیری کردند، ولی او شبانه وارد قلعه قم شد و سران شورشی را کشت و عدّه ای را زندانی کرد و در این گیرو دار اکثر اهالی قم متواری شدند. مردم آزاده و مبارز قم، پس از مأمون با سایر خلفای ستمگر عباسی نیز درگیر شدند و در این راه فداکاری ها نمودند و بسیاری از آن ها به شهادت رسیدند.(۱)

این حوادث بیانگر آن است که قم در همان قرن دوم و سوم همواره شهر قیام

۱- ۳۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۵۹.

و خون بوده و خیزش و قیام بر ضد ستمگران که همان معنی واژه استقلال طلبی مردم قم در برابر خلفای ستمگر و غاصب بوده است.

پس از هجرت عرب های شیعه از کوفه به قم، شهر قم طی نیم قرن با سرعتی عجیب توسعه یافت، مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گویی در کشور نیمه مستقل کوچکی در قلب دارالاسلام زندگی می نمایند.

چنان که از آغاز ظهور خلفای عباسی تا اواخر خلافت هارون الرشید از دادن باج و مالیات به حکومت وقت، خودداری می نمودند. هارون در سال ۸۴ه.ق پس از به شهادت رساندن امام کاظم علیه السلام درصدد برآمد که طرفداران آن حضرت را در فشار شدید قرار داده، و قم را که به صورت کانون ضد خلفا درآمده بود، سرکوب و تضعیف نماید، عبداللّه بن کوشید قمی را حاکم اصفهان نمود، و به او دستور داد که مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول کند، او برادرش (عاصم بن کوشید) را عامل قم نموده، عاصم اهالی قم را تحت فشار سخت قرار داد ولی مردم از او اطاعت نمی کردند، او بر فشار خود افزود. جمعی از مردم قمی پراکنده شدند، شکایت های آن ها بی نتیجه ماند، سرانجام شورش نموده و به عاصم حمله کردند و او را کشتند، هارون پس از اطلاع از قتل عاصم، عبداللّه بن کوشید حاکم اصفهان را از مقام خود عزل کرد، عبداللّه نزد هارون رفت، تا بار دیگر به مقام پیشین خود بازگردد، مشروط بر این که حوزه قم را از حکومت اصفهان جدا سازد.

هارون این پیشنهاد را نمی پذیرفت، در این کشمکش (حمزه بن سیع اشعری) که از شیوخ و بزرگان قم بود، به دارالخلافه آمد، هارون را وا داشت که قم را از اصفهان جدا سازد، آن گاه خود شخصاً پرداخت مالیات قم را تضمین نمود، مشروط بر این که هارون الرشید از مالیات های نپرداخته شده سابق، صرف نظر کند.

ص:۲۹

استدلال ها و قاطعیت پی گیر حمزه باعث شد که قم از اصفهان جدا گردیده و استقلال یافت و حمزه بن سیع خود حاکم و امام جمعه قم شد، و منبر امامت جمعه را در مسجد جامع قم نصب کرد. پس از استقلال قم، اعراب اشعری به آبادانی در بازسازی قم پرداختند و این سرزمین را از نظر ظاهر و باطن، رونقی جدید و وسیع بخشیدند.(۱)

داستان دعبل و عشق قمی ها به خاندان رسالت

یکی دیگر از فرازهای تاریخی که نشان دهنده اوج ارادت مردم قم، به اهل بیت علیهم السلام و مذهب تشیع می باشد، ماجرای دعبل خزاعی (شاعر متعهد شیعی) است. خلاصه اش چنین است:

دعبل، قصیده ای در مدح و سوگ امامان علیهم السلام سرود و به مرو خراسان رفت، و در روز عاشورا، آن را در محضر امام رضاعلیه السلام که جمعی نیز حاضر بودند، خواند، که به قصیده (مدارس آیات) معروف می باشد، امام هشتم علیه السلام یک کیسه محتوی صد دینار به او عطا فرمود.

دعبل به عنوان تَیمّن و تبرک، تقاضای لباس کرد، امام هشتم علیه السلام لباس خز به او هدیه کرد، و دعبل لباس و کیسه دینار را برداشت و به سوی وطن روانه شد، او در مسیر راه، به قم آمد، مقدم او را گرامی داشتند، و از او دعوت کردند تا قصیده خود را بخواند. او از مردم خواست که در مسجد جامع قم، اجتماع کنند، تا قصیده خود را در آنجا بخواند.

۱- ۳۲. حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم محمدی اشتهاردی بر گرفته از گنجینه آثار ج ۱، ص ۱۵۸ - ۱۵۴.

مردم سیل آسا به سوی مسجد روانه شدند، دعبل آن قصیده را در اجتماع بزرگ مردم خواند، و مردم هدایای بسیاری به او دادند. مردم قم اطلاع یافتند که حضرت رضاعلیه السلام لباسی به دعبل داده است، از او خواستند که آن لباس را به هزار دینار به مردم قم بفروشد، ولی او حاضر نشد، تا آن که مردم قم پیشنهاد کردند که قسمتی از آن لباس را به هزار دینار بفروشد، باز او حاضر به فروش نشد، وقتی که دعبل از قم به سوی وطن حرکت کرد، جوانان قمی سر راه او را گرفتند، و به اجبار آن لباس را از او ربودند، او به قم بازگشت و تقاضای استرداد لباس کرد و پس از گفتگوی زیاد، راضی شد که قسمتی از آن لباس را به قمی ها بدهد و قسمت دیگر را خود بردارد، مردم قم هزار دینار، بابت آن قسمت به او دادند.(۱)

این فراز تاریخی همانند آینه صافی است که عشق و پیوند بسیار محکم مردم قم را با اهل بیت علیهم السلام و خط فکری آن ها نشان می دهد و شاهد صادق بر پیشگامی مردم قم و مرکزیت قم برای تشیع و گسترش آن است.

احادیث مربوط به قم و اهل آن

در کلمات گهربار ائمه اطهارعلیهم السلام تمجیدهای فراوانی از شهر مقدّس قم و مردم با ایمان این شهر، در کتب حدیثی آمده است، ما به جهت اختصار به تعدادی از این روایات اشارتی می کنیم:

منبع اصلی ما در این فراز، کتاب ارزشمند تاریخ قم از حسن بن محمّد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق رحمه الله است که علامه بزرگوار مجلسی رحمه الله آن ها را در کتاب گران سنگ خود بحارالانوار آورده است.

۱- ۳۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۳، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۷.

و این روایات عبارتند از:

۱ – عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «اَتَدْرِی لِمَ سمّیت قُمْ: آیا می دانی که قم را به چه سبب قم نامیده اند؟ گفتم: خدا و پیامبر و شما داناتر هستید.

فرمود: «انّما سمّیت قم، لانّ اهلها یجتمعون مع قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و یقومون معه و یستقیمون علیه و ینصرونه؛ از این جهت قم نامیده شد که اهل آن در اطراف قائم آل محمد صلی الله علیه و آله گرد می آیند و در رکاب او قیام می کنند، او را یاری می کنند و در یاری او استقامت می ورزند».(۱)

۲ – امام صادق علیه السلام فرمود: «اهل خراسان اعلامنا، واهل قم انصارنا و اهل الکوفه اوتادنا، واهل هذا السواد منا و نحن منهم؛ اهل خراسان پیشتازان ما، اهل قم یاوران ما، اهل کوفه تکیه گاه های ما، و اهل این دیار از ما هستند و ما از آن هاییم».(۲)

۳ – از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود: «سلام اللّه علی اهل قم و رحمه اللّه علی اهل قم، سقی اللّه بلادهم الغیث، و ینزل اللّه علیهم البرکات و یبدل اللّه سیئاتهم حسنات، هم اهل رکوع و خشوع و سجود و قیام و صیام. هم الفقهاء، العلماء الفهماء هم اهل الدین والولایه والعباده وحسن العباده وصلوات اللّه علیهم و رحمه اللّه و برکاته؛ سلام خدا بر اهل قم، رحمت خدا بر اهل قم، خداوند شهرهایشان را با آب باران سیراب کند و برکاتش را بر آن ها نازل فرماید. و بدی های آنان را به نیکی تبدیل نماید.

ص:۳۲

۱– ۳۴. بحارالانوار، ج ۶۰، تاریخ قم.

۲– ۳۵. تاریخ قم، ص ۹۸، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

آن ها اهل رکوع و سجود و خشوع و نماز و روزه اند.

آن ها فقیه و دانشمند و اهل فهم هستند.

آن ها اهل دین و ولایت و عبادت و اطاعت هستند، صلوات و رحمت و برکات خداوند بر آن ها باد».(۱)

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ان اللّه اختار من جمیع البلاد الکوفه و قم و تفلیس؛ خداوند از میان همه شهرها کوفه، قم و تفلیس را برگزید».(۲)

۵ - امام رضاعلیه السلام به موسی بن خزرج فرمود: آیا محلی را به نام وَراردها می شناسی؟

موسی گفت: آری می شناسم و من در آنجا دو قطعه زمین دارم.

امام علیه السلام فرمود: آن را مواظب باش و هرگز از دست مده، آن گاه سه بار فرمود: «نعم الموضع واردهای؛ چه نیکو محلی است واردهای».(۳)

مرحوم محدث قمی بعد از نقل این حدیث می فرماید: واردهای نام یکی از آبادی های قم است.(۴)

۶ - امام هادی علیه السلام فرمود: قم و اهل آن به سبب زیارت جدم علی بن موسی الرضاعلیه السلام در طوس آمرزیده شده هستند. آگاه باش، هرکس او را زیارت کند و در راه زیارت آن حضرت یک قطره باران به او برسد، خداوند جسدش را به آتش جهنم حرام می سازد.(۵)

۱- ۳۶. مجالس المؤمنین، ج ۸۳ بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

۲- ۳۷. تاریخ قم، ص ۹۷، بحار، ج ۶، ص ۲۱۴.

۳- ۳۸. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۴- ۳۹. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵- ۴۰. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱.

۷ – امـام رضاعلیه السـلام فرمود: برای بهشت هشت دراست، یکی از آن ها از آنِ اهل قم است، خوشا به حال آن ها، خوشا به حال آن ها، باز هم خوشا به حال آن ها.(۱)

۸ – در محضر امام کاظم علیه السلام صحبت از قم و اهل قم، و گرایش آن ها به حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه شد، امام کاظم علیه السـلام بر آن هـا رحمت فرسـتاد و سـپس فرمـود: برای بهشت هشت در است، یکی از آن هـا از آنِ اهـل قم است، آن ها برگزیده های شیعیان ما در میان همه بلاد هستند، خداوند ولایت ما را با آب و گل آن ها آمیخته است.(۲)

۹ – از ائمـه هـدی علیهـم السـلام روایت شـده که فرمـوده انـد: لولاـ القمیـون تضـاع الـدین؛ اگر قمی هـا نبودنـد دین تبـاه می شد.(۳)(۴)

سرّ قداست قم

در احادیث فراوانی به قداست قم اشاره شده است؛ از جمله امام صادق علیه السـلام قم را حرم اهل بیت علیهم السـلام معرفی و خـاک آن را، پاک و پاکیزه تعبیر کرده است. همچنین ایشان در ضـمن حـدیث مشـهوری که درباره قـداست قم به گروهی از اهالی ری بیان کردند، فرمودند: بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسـی، در آنجا رحلت می کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند. او می گوید: من این حدیث را هنگامی از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که حضـرت موسی بن جعفرعلیه السـلام هنوز دیـده به جهان نگشوده بود. این حدیث والا، از رمز شـرافت و قداست قم پرده بر می دارد و روشـن می سازد که این همه فضیلت

۱- ۴۱. تاریخ قم، ص ۹۹، مجالس المؤمنین، ج ۸۳، بحارالانوار، ج ۶۰ ص ۲۱۵.

۲- ۴۲. تاریخ قم، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶.

۳- ۴۴.

۴- ۴۳. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

و شرافت این شهر که در روایات آمده، از ریحانه پیامبرصلی الله علیه و آله کریمه اهل بیت، مهین بانوی اسلام، حضرت معصومه علیها السلام سرچشمه می گیرد که در این سرزمین دیده از جهان فرو می بندد و گرد و خاک این سرزمین را، توتیای دیدگان حور و ملائک می کند.

برگزیدن شهر قم

پس از آن که حضرت معصومه به شهر ساوه رسید، بیمار شد و چون توان رفتن به خراسان را در خود ندید، تصمیم گرفت به قم برود.

یکی از نویسندگان در این باره که چرا حضرت معصومه علیها السلام شهر قم را برگزید، می نویسد: بی تردید می توان گفت که آن بانوی بزرگ، روی آینده نگر داشت و با توجّه به آینده قم و محوریتی که بعدها برای این سرزمین پیش می آید محوریتی که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود، بدین دیار روی آورد. این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجّه داشته و خود را با شتاب بدین سرزمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کرده است.(۱)

مزایا و افتخارات مردم قم

۱ - آنان جزو اهل بیت اند.

۲ - آنان مردمی نجیب و بزرگوارند، نجبای مردم به شمار می روند.

۳ - کسی که تصمیم بد درباره آنان بگیرد، خداوند او را درهم می شکند.

۱- ۴۵. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۴۸.

فصل دوم: زندگی حضرت معصومه علیها السلام

پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام

پدر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام امام هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام است که او را ابوالحسن اول نیز می گویند: و از القاب مشهور آن حضرت، کاظم، باب الحوائج و صالح می باشد.

آن بزرگوار روز یک شنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در روستای ابواء که بین مکه و مدینه واقع شده، دیده به جهان گشود. آن حضرت بیش از سایر امامان علیهم السلام فرزند داشته است که بعضی سی، و برخی شصت فرزند برای او نام برده اند.

آن بزرگوار در سال ۱۴۸ هجری قمری در زمان خلافت منصور به امامت رسید و در زمان خلافت مهدی و هادی عباسی نیز امام بود، وقتی که هارون الرشید به خلافت رسید و پس از پانزده سال در زندان بغداد به شهادت رسید.

مشهور بین تاریخ نویسان آن است که آن بزرگوار در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری در ۵۱ سالگی از دنیا رفت.(۱)

۱- ۴۶. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۱.

حضرت نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیها السلام

مادر گرامی حضرت معصومه علیها السلام مادر بزرگوار امام رضاعلیه السلام است. نجمه خاتون از بانوان با فضیلت، از اسوه های تقوی و شرافت، از مخدرات کم نظیر تاریخ بشریت می باشد برای او ده نام در کتب تاریخ و حدیث به ترتیب زیر آمده است:

۱ - نجمه ۲ - امّ البنین برای نجمه خاتون فقط یک کنیه نقل شده و آن امّ البنین است؛ امّ البنین به معنای مادر پسران می باشد. ۳ - تُکْتَم ۴ - طاهره ۵ - خیزران ۶ - مرسیّه ۷ - اروی ۸ - سَکَن ۹ - سمّانه ۱۰ - شَقراء ۱۱ - صَقر.(۱)

تکتم به صورت مضارع مجهول، از نام های شایع در میان بانوان عرب است و در اشعار عربی به وفور آمده است.(۲)

و یکی از نام های زمزم است که بعد از انقراض جُرهُم پوشیده شده بود در عالم رؤیا به حضرت عبدالمطلب گفته شد: احضرتکتم، آنگاه جناب عبدالمطلب به الهام پروردگار آنجا را حفر کرد و چاه زمزم را پدیدار ساخت.(۳)

هنگامی که نجمه خاتون از طرف خاندان عصمت و طهارت خریداری شد او مشهور به تکتم بود و آن اسم بسیار مناسبی بود، زیرا جلالت قدر و عظمت شأن او نه فقط از اهل مغرب مکتوم بود بلکه در میان اهل زمین به طور عموم مجهول بود.

از پسوند مرسیّه انتساب آن بانوی مجلله به سرزمین مرسی معلوم می شود، جز این که واژه مرسی به چند سرزمین اطلاق می شود که از آن جمله است:

۱- ۴۷. زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۶.
۲- ۴۸. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۳، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۵؛ ریاحین الشریعه ج ۳، ص ۲۲.
۳- ۴۹. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲.

۱ – شـهر معروف مرسیّه در اسپانیا، که در قرن ۱۱ میلادی به صورت کشور مستقلی در آمد و ابوغالب مرسی به آنجا منسوب است.(۱)

۲ – بندر مرسی در ساحل شرقی الجزایر، در نزدیکی مرز تونس.(۲)

۳ – بندر معروف مرسی (مارسی) در جنوب فرانسه در کرانه دریای مدیترانه.(۳)

خیزران گیاه معروفی است که در هند و بلاد روم می روید، ریشه های بسـیار بلند و مسـتحکمی دارد؛ از ریشه های آن حصـیر می بافند و از ساقه های آن به جهت ظرافت و استحکامش عصا می سازند.

ساقه های خیزران بسیار لطیف و انعطاف پذیر است با خم کردن نمی شکند و لذا در ادبیات نیز به وفور استعمال شده است.

خیزران در لغت به سکان کشتی و به ساقه انعطاف پذیر گفته می شود.(۴)

مرحوم کلینی با سلسله اسناد خود از هشام بن احمر روایت می کند که گفت: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: آیا می دانی که یک نفر اهل مغرب به مدینه آمده است؟ گفتم: نه فرمود: چرا یکی آمده است برخیز برویم.

امام علیه السـلام سوار شد، من نیز سوار شدم، به محل اقامت آن شخص رفتیم، با مردی از اهل مغرب مواجه شدیم که تعدادی کنیز با خود آورده بود.

به او گفتم: کنیزهای خود را بر ما عرضه کن او هفت کنیز بر ما عرضه کرد، هرکدام را که عرضه کرد، امام علیه السلام فرمود: این کنیز مورد نیاز ما نیست.

۱- ۵۰. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۰۷.
۲- ۵۱. قاموسی الاعلام، ج ۶، ص ۴۲۶۰.
۳- ۵۲. جغرافیای کامل جهان، ص ۷۳۵.
۴- ۵۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۸۱؛ و نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۸.

آن گاه امام علیه السلام فرمود: عرضه کن. او گفت: من به جز یک کنیز بیمار، کنیز دیگری ندارم. امام علیه السلام فرمود: تو را چه می شود که آن را بر ما عرضه کنی؟ او امتناع کرد و ما بر گشتیم.

روز بعد امام علیه السلام به من فرمود: برو نزد آن شخص و بگو: آخرین نظر تو در مورد آن کنیز چیست؟ او خواهد گفت: چنین و چنان، پس بگو: من خریدم. هشام بن احمر می گوید: به نزد او رفتم و او اظهار داشت من او را هرگز از فلان قیمت کمتر نخواهم داد، گفتم: خریدم.

برده فروش گفت: آن کنیز از آن توست، ولی به من بگو آن مردی که دیروز همراه تو بود کیست؟

گفتم: او مردی از بنی هاشم است. گفت: از کدام تیره بنی هاشم؟ گفتم: بیشتر از این نمی دانم. برده فروش گفت: گوش فرادار تا من در مورد این کنیز برایت سخن بگویم، من او را از دورترین نقطه مغرب خریدم، یکی از بانوان اهل کتاب به من گفت: این کنیز که همراه توست از آن نزد امثال تو باشد. او دختری شایسته است که در نزد برترین انسان روی زمین باشد؛ زیرا این دختر چیزی در نزد مولایش درنگ نمی کند جز این که فرزندی از او به دنیا می آورد که در میان همه اهل شرق و غرب برای او همسنگی نباشد. هشام به احمر می گوید: من او را به خدمت امام کاظم علیه السلام آوردم، طولی نکشید که امام رضاعلیه السلام از او متولد شد.(۱)

۲ – هنگامی که نجمه خاتون به دودمان امامت راه یافت، امام کاظم علیه السلام گروهی از اصحاب را گرد آورد و به آن ها فرمود: این کنیز را جز به فرمان خدا و به

۱– ۵۴. اصول کافی، ارشاد مفید.

استناد وحی خدا خریداری نکردم. هنگامی که از کیفیت آن پرسیدند، فرمود:

جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم(امیرمؤمنان) را در عالم رؤیا دیدم، یک قطعه ابریشم به همراه داشتند، چون آن را باز کردند یک پیراهن در میان آن بود که تمثال این دختر بر آن نقش شده بود. به من فرمود: ای موسی! این دختر بهترین اهل زمین را برای تو به دنیا خواهد آورد. آن گاه به من فرمود: هنگامی که او متولد شد او را علی نام بگذار. سپس به من فرمودند: خداوند به وسیله او عدالت، رأفت و مرحمت را در دنیا ظاهر خواهد ساخت، خوشا به حال کسی که او را تصدیق کند. وای به حال کسی که او را دشمن بدارد و او را تکذیب نماید.(۱)

۳ - شیخ صدوق با سلسله اسناد خود روایت کرده که هنگامی که حمیده مادر موسی بن جعفرعلیه السلام نجمه مادر امام رضاعلیه السلام را خریداری کرد، شبی در عالم رؤیا به محضر مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای حمیده! نجمه را به فرزندت موسی هبه کن که به زودی برترین انسان روی زمین از او متولد خواهد شد.(۲)

۴ - شیخ صدوق با سلسله اسنادش از نجمه خاتون روایت کرده که در ایام حاملگی هرگز احساس سنگینی نمی کردم و در خواب صدای تسبیح و تهلیل از بطن خود می شنیدم ولی چون بیدار می شدم دیگر آن را نمی شنیدم.

هنگامی که حمل خود را بنهادم، دست ها را بر زمین نهاد و سر به سوی

۱- ۵۵. دلایل الامام، ص ۳۴۸، اثبات الوصیه، ص ۱۷۱.

۲- ۵۶. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۲۳۳، عوالم، ج ۲۲، ص ۲۲.

آسـمان بلنـد کرد و لب های خود را هماننـد کسـی که سـخن بگوید، حرکت می داد. در این حال پدرش حضـرت موسـی بن جعفرعلیه السـلام وارد شـد و به من فرمود: «هنیئاً لـک یـا نجمه کرامه من ربک؛ ای نجمه این کرامت پروردگار بر تو مبارک باد.

۵ – حضـرت رضاعلیه السلام در دوران شیرخوارگی شیر زیاد می خورد و لذا نجمه خاتون گفت: دایه ای بگیرید که مرا یاری کند. پرسیدند: آیا شیر شما کم شده؟ گفت: نه هرگز شیرم کم نشده، ولی من یک سلسله اوراد و اذکار دارم که همیشه به آن ها ملتزم هستم، از وقتی که این مولود مسعود به دنیا آمده، فرصتم برای آن اوراد و اذکار کم شده است.(۱)

۶ – نجمه خاتون به قدری مؤدب بود که در حضور حمیده خاتون هرگز بر زمین ننشست.(۲)

۷ – شـیخ صدوق با سلسـله اسـنادش روایت کرده که نجمه خاتون در عقل و درایت، در اطاعت و عبادت و در رعایت ادب به ویژه احترام به حمیده خاتون از بهترین بانوان جهان بود.(۳)

مولّده؛ به کسی گفته می شود که در کشور عربی متولد شود و در میان عرب ها بزرگ شود و با آداب عربی خو بگیرد.(۴)

از تاریـخ تولـد نجمه خاتون اطلاعی در دست نیست و از مقـدار سن شـریفش به هنگام شـرفیابی به دودمان امامت چیزی نمی دانیم، تنها چیزی که در منابع

۱– ۵۷. عیون الاخبار، ج ۱ ص ۱۳؛ ریاحین الشریفه؛ ج ۳،ص ۲۲؛ اعیان النساء، ص ۷۶.
۲– ۵۸. ینابیع الموده، ص ۳۸۴ و عوامل، ج ۲۲، ص ۱۹.
۳– ۵۹. عیون الاخبار، ج ۱،ص ۱۲ و بحارالانوار، ج ۹، ص ۴، حدیث ۵.
۴– ۶۰. نهایه ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۲۵.

حدیثی آمده این است که وی به هنگام تشرف به خانه امام کاظم علیه السلام دوشیزه بود.(۱)

روز ولادت و وفات

به طور یقین روز ولادت حضرت معصومه علیها السلام اول ذی قعده سال ۱۷۳ ه.ق است چون بعضی از محققین و کاوشگران بدون هیچ ابهام و تردیدی روز ولادت را همین روز بیان کرده اند و اگر زمانی تاریخی دیگر اعلام شده مورد قبول نیست.

هارون الرشید آن بزرگوار را در سال ۱۷۹ هجری قمری در مدینه دستگیر کرده و به طرف عراق آورد و از آن وقت تا آخر عمر در زندان به سر می برد.

شهر مدینه چشم به راه توّلد کودکی از خاندان پاک پیامبرصلی الله علیه و آله بود. خانه امام کاظم علیه السلام حال و هوای دیگری داشت، نجمه همسر آن بزرگوار به امید توّلد فرزند، روز را به شب و شب را به روز می رساند.

شور و شادی در خانه امام علیه السلام موج می زد.

سرانجام انتظارها به سرآمد و در اول ذی قعده سال ۱۷۳ هجری قمری خداوند دختری به امام هفتم بخشید و نوزادی نورانی در خانه با صفای امام علیه السلام چشم به جهان گشود.

پس از امام علیه السلام، شاید کسی به اندازه نجمه همسر حضرت خوشحال نبوده؛ زیرا پس از گذشت ۲۵ سال این دوّمین فرزندی بود که دست لطف پروردگار به نجمه عنایت می فرمود.(۲)

۱- ۶۱. بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴.

۲- ۶۲. زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵.

امام کاظم علیه السلام به خاطر عشق و علاقه خاصی که به حضرت فاطمه زهراعلیها السلام داشت نام دختر تازه به دنیا آمده خود را فاطمه نهاد. پاک سرشتی و پرهیزکاری او به اندازه ای بود که پس از مدتی معصومه خوانده شد، چون مانند پدر گرامی اش از گناه و بدی دوری می جست.

قریب به چهل سال است در کنار بارگاه ملکوتی و نورانی خاتون دو سرا، شفیع روز جزا، تداعی جلوه گری جلال و عظمت حضرت زهراعلیها السلام، وارث مصائب قهرمان کربلا، خواهر والا مقام سلطان سریر ارتضاء، پناهگاه مطمئن اله والاء، کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هستم و از عنایات بی بی بزرگوار بهره مندم. شکر این نعمت بزرگ مرا سوق می دهد که قلم را به دست گرفته صفحاتی را به عنوان عرض ادب به محضر این ولی نعمت، معصومه دو سرا اختصاص داده و قبلاً عذرخواهی و پوزش بطلبم.

بررسی و شرح کوتاه

در بعضی از مدارک از سال ۱۸۳ به عنوان سال ولادت حضرت فاطمه علیها السلام یاد شده که صحیح آن، چنان که در کتاب مستدرک سفینه آمده، ۱۷۳ است؛ زیرا با توجّه به این که امام کاظم علیه السلام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ه.ق در زندان هارون در بغداد به شهادت رسید، و کمترین مدت زندانش، چهار سال بود، در این مدت از خانواده اش که در مدینه ساکن بودند، دور بود بنابراین ممکن نیست ولادت حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۸۳ رخ داده باشد و ظاهراً در این شماره اشتباه شده و به جای ۱۷۳، ۱۸۳ نوشته شده است.

از این رو محقق کاوشگر مرحوم عمادزاده اصفهانی بدون ابهام می نویسد: حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذی قعده سال ۱۷۳ متولد شده و در ربیع الثانی سال ۲۰۱ در قم دیده از جهان فرو بست.(۱)

شادی و سرور ولادت

آغاز ماه ذی قعده برای حضرت رضاعلیه السلام و دودمان نبوت، پیام آور شادی مخصوص و پایان یک انتظار عمیق و استثنایی است؛ چون حضرت نجمه علیها السلام فرزندی جز حضرت رضاعلیه السلام نداشت و مدت ها پس از حضرت رضاعلیه السلام صاحب فرزندی نشد؛ حضرت رضاعلیه السلام در سال ۱۴۸ ه.ق متولد گردید، ولی حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۷۳، یعنی با فاصله (۲۵ سال». با توجّه به این که امام صادق علیه السلام به ولادت چنین بانویی بشارت داده بود، بنابراین پس از آن که حضرت معصومه علیها السلام دیده به جهان گشود، آن روز برای حضرت رضاعلیه السلام و حضرت نجمه علیها السلام روز شادی و سرور وصف ناپذیر و روزی مهّم از ایّام اللّه بود؛ چرا که دختری از آسمان ولایت و امامت، طلوع کرده بود، که قلب ها را جلا و صفا می داد و چشم ها را روشن و کانون مقدّس اهل بیت علیهم السلام را گرم می نمود.(۲)

سن حضرت

از آنچه که مورد بحث قرار گرفت نتیجه می گیریم که سن حضرت

۱- ۶۳. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵

۲- ۶۴. حضرت معصومه فاطمه دوم، محمدی اشتهاردی ص ۱۱۳.

معصومه علیها السلام هنگام وفات در حدود ۲۸ سال بوده است. پس این که در زبان برخی از مردم، آن حضرت به عنوان ۱۸ یا ۲۲ ساله معروف شده، مدرک و سندی ندارد.

چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرده است

تقریباً قطعی است که حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد، در این صورت این سؤال پیش می آید که سنّت ازدواج از مستحبات مؤکّد اسلامی است، تا آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در اسلام و در پیشگاه خدا بنایی برپا نشده که محبوب تر و عزیزتر از بنای ازدواج باشد(۱) همچنان که فرمود: ازدواج سنّت و برنامه من است، پس کسی که از سنّت من دوری کند از من نیست.(۲) و نیز وارد شده: در عصر امام باقرعلیه السلام بانویی به خاطر ریاضت و کسب فضیلت، ازدواج نمی کرد، امام باقرعلیه السلام به او فرمود: اگر در ترک ازدواج، فضیلتی به دست می آمد، حضرت فاطمه علیها السلام سزاوارتر از تو بود، که به خاطر کسب فضایل اخلاقی، ازدواج نکند؛ زیرا هیچ بانویی در کسب کمالات، از فاطمه علیها السلام پیشی نگرفته است.(۳)

پاسخ

در پاسخ به این سؤال دو مطلب گفته شده که هرکدام، یا یکی از آن ها دلیل شایسته ای است که موجب ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام شده است:

۱- ۶۵. وسائل الشیعه، ج ۴ ،ص ۳.

۲- ۶۶. همان، ص ۷.

۳- ۶۷. همان، ص ۱۱۷.

۱ – دختران امام کاظم علیه السلام به ویژه حضرت معصومه علیها السلام در سطحی از کمالات بودند که برای خود هم کفو و همسر مناسبی نیافتند، تا با او ازدواج کنند، امام کاظم علیه السلام به آن ها سفارش کرده بود که با رأی و مشورت برادرشان حضرت رضاعلیه السلام ازدواج کنند.(۱)

این سفارش و قراین دیگر بیانگر آن است که باید برای آن ها همسر مناسبی باشد. با توجّه به این که طبق نقل سبط جوزی،(۲) امام کاظم علیه السلام دارای چهار دختر به نام های فاطمه کبری، فاطمه وسطی، فاطمه صغری و فاطمه اخری بود.(۳) در این که حضرت معصومه علیها السلام کدام یک از این ها بوده، بعضی تردید نموده اند ولی از قراین و عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام نسبت به دیگران استفاده می شود که او همان فاطمه کبری بوده است.(۴)

در مورد حضرت زهراعلیها السلام امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال، علی علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، در سراسر زمین، از حضرت آدم گرفته تا هر انسانی بعد از او، همسر همتا و مناسبی برای فاطمه علیها السلام پیدا نمی شد.(۵)

۲ – ترس و وحشت ناشی از حکومت پر از خفقان و اختناق هارون، به گونه ای بود که کسی جرأت نمی کرد با دختران امام کاظم علیه السلام ازدواج نماید و داماد آن حضرت شود؛ زیرا دامادی آن حضرت، از نظر دستگاه طاغوتی هارون، موجب خطر شدید می شد.

به این ترتیب، حضرت معصومه علیها السلام و بعضی از خواهرانش، از ازدواج صرف نظر کردند.

۱– ۶۸. اصول کافی، ج ۱،ص ۳۱۷.

۲– ۶۹. تذکره، ص ۳۱۵

۳– ۷۰. بحارالانوار، ج ۴۸،ص ۳۱۷.

۴– ۷۱. همان، ص ۱۱۰.

۵– ۷۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱.

در ضـمن، نباید این مطلب را از نظر دور داشت که امام کاظم علیه السلام در زندان به سر می برد و اطلاع امام رضاعلیه السلام از آینده (در مورد شـهادت پدر، و هجرت اجباری او به خراسان) شاید دلیل دیگری برای ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام باشد.

و این نیز از مصایب و رنج های روزگار نسبت به خاندان نبوت است، که سـتمگران کینه توز، با ایجاد شرایط نامساعد، آن ها را از مواهب زندگی، محروم ساختند.(۱)

احترام به مقدسات مذهبی

از حضـرت آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی نقل شده: روزی شاه عربسـتان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای مرجع کل، حضـرت آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله فرسـتاد، آقا در میان آن هـدایا، چنـد قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را رد کرد، در ضـمن شاه عربسـتان تقاضای ملاقات با آقای بروجردی کرده بود (و این تقاضا توسط سـفیر عربستان به آقا ابلاغ شد) ولی آقای بروجردی این تقاضا را رد کرد وقتی که از علّت این امر سؤال شد، آقا فرمود: این شـخص (شاه عربستان) اگر به قم بیاید [به خاطر این که وهابی است به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نمی رود]و اگر او به قم بیاید و به زیارت حضـرت معصومه علیها السـلام نرود به مقام ارجمند حضـرت معصومه علیها السلام توهین خواهد شد و من به هیچ وجه چنین امری را که توهین غیرمستقیم به حضرت معصومه علیها السلام است نمی پذیرم و تحمل نمی کنم.

امام خمینی قدس سره آن بزرگ مرد الهی، کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام

ص:۴۷

۱- ۷۳. حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، محمّدی اشتهاردی، ص ۱۱۷ و ۱۱۵

می آمد و با کمال تواضع و خضوع ضریح حضرت را می بوسید و به عقیده بعضی شاید علت آن که او نخواست مرقد مطهرش در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام باشد از این رو بود که مبادا به حریم حضرت معصومه علیها السلام بی احترامی شود؛ زیرا با رفت و آمد میلیون ها نفر از مردم و آمدن سران کشورها کنار قبر او به طور طبیعی موجب کم رنگ شدن احترام به مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می گردید و چنین کاری هرگز با خلق و خوی امام خمینی قدس سره نسبت به خاندان عصمت و طهارت سازگار نبود.(۱)

شباهت حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زینب علیها السلام

در میان بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شباهت و قدر مشترك بین آن دو، فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقیله آل هاشم علیهم السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.

۱) هر دو سرافرازند که دختر امام معصوم علیه السلام هستند، زینب کبری دختر بزرگوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و حضرت معصومه علیها السلام دختر والاگهر حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام.

۲) هر دو بزرگوار خواهر امام معصوم اند، یکی خواهر امام حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام است.

---

۱ - ۷۴. حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، نوشته محمدی اشتهاردی، ص ۱۳؛ و کتاب برستیغ نور شرح حال مرحوم نجفی مرعشی مراجعه شود.

۳) هر دو بانوی خاندان وحی، افتخاری دارند که عمه امام معصوم می باشند، یکی عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیه السلام.

۴) هر دو مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجّت بالغه الهی، زبان به مدح و ثنا و ستایش آن دو گوهر گران بها گشوده است.

۵) هر یک از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض الطاعه قرار گرفته اند: حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارش، امیرمؤمنان علیه السلام و از سوی برادرش حضرت سیّدالشهداعلیه السلام و از ناحیه برادر زاده شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند.

حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه جد بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام و از جانب برادر بزرگوارش، حضرت رضاعلیه السلام و از سوی فرزند برادرشان، حضرت جوادالائمه علیه السلام، مورد مدح و ثنا واقع شده اند.

۶) هرکدام از این دو بانوی با جلالت، شدّت علاقه نسبت به برادر عزیز و والامقام خود داشتند، حضرت زینب علیها السلام، نسبت به امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه، نسبت به امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام.

۷) هر دو معظّمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خویشتن را رها کرده، وطن را ترک گفتند و رنج سفر را بر خود هموار نمودند، حضرت زینب علیها السلام از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفت و حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به ایران و بالاخره در سرزمین قم رحل اقامت افکند.

۸) هر دو بانوی بزرگوار، زادگاه شان مدینه، ولی مدفنشان در نقطه ای دور از زادگاه شان هست، حضرت زینب علیها السلام در شام یا مصر، بنابر نظر مشهور و حضرت معصومه در ایران و شهر مقدّس قم.

۹) مـدفن هر یک از این دو بانوی بهشتی، زیارت گاه عاشـقان و علاقه مندان خاندان پیغمبر است و مرقد مطهر و منوّر هر یک از آنان، دلدادگان بی شمار دارد و مردم مسلمان، حتی از شهرهای دور برای زیارت آن ها با تمام اشتیاق، سفر نموده و تشرف به اعتاب مقدسه آنان فخر و مباهات می کنند.

۱۰) هر کدام از این دو مکرّمه، دو محل زیارت دارند، حضـرت زینب علیها السلام در مصر و در شام و حضرت معصومه علیها السلام در بیت النور محل اقامت و عبادتشان و دیگر مدفن مقدّس و حرم مطهر آن بانوی با جلالت.(۱)

منزلت شهر قم

در آغاز چند روایت پیرامون خزینه الهّیه مدفون در قم را متذکر می شویم.

۱ – عـالم بزرگ رجالی مرحوم کشـی نقل کرده: حمّاد ناب گفته است: ما با گروهی در خـدمت حضـرت صادق علیه السـلام بودیم که ناگهـان عمران بن عبـداللّٰه قمی وارد شـد، حضـرت از او احوال پرسـی کرده و به او محبت نمودنـد و اظهار سـرور و شادمـانی فرمودنـد. وقتی کـه برخـاست، بـه حضـرت صـادق علیه السـلام عرض کردم: این که بـود که این گـونه به او محبت فرمودید؟

امام در پاسخ گفت: من اهل البیت النجباء؛ یعنی اهل قم، ما ارادهم جبار من الجبابره إلّا قصمه اللّٰه؛(۲) او از اهل بیت و خاندان نجبـا می باشـد؛ یعنی اهـل قم، که هیـچ سـتمگری از سـتمگران، آهنـگ هلاـک آنـان نکرد مگر این که خداونـد او را در هم شکست و خرد گردانید.

۱- ۷۵. بانوی ملکوت، ص ۶۹ و ۶۷.

۲- ۷۶. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱ و کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۲۳.

۲ – ابومقاتل دیلمی می گوید: از حضرت علی بن محمّد امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا قم به این اسم، نامیده شد؛ زیرا هنگامی که کشتی نوح علیه السلام در جریان توفان، بدانجا رسید. ایستاد و حرکت نکرد و آن قطعه ای از بیت المقدّس است.(۱)

۳ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگامی که فتنه ها و آشوب ها شهرها را فرا گرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید؛ زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.(۲)

۴ – از حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام روایت شده که فرمود: قم آشیانه آل محمّدعلیهم السلام و پناهگاه شیعیان آن هاست ولیکن به زودی جماعتی از جوانانشان، بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و پیش کسوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند شرّ دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود.(۳)

۵ – از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم؛ زیرا آنجا مأوای فاطمیین و استراحت گاه مؤمنین است و هیچ کس تصمیم سویی درباره قم و اهل آن نگرفت، مگر این که خداوند، او را خوار کرده، از رحمت خود دور ساخت.(۴)

۶ – از حضرت ابوالحسن الرضاعلیه السلام روایت است که فرمود: برای بهشت، هشت

---

۱ – ۷۷. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳ حدیث ۲۴.

۲– ۷۸. همان، حدیث ۲۶.

۳– ۷۹. همان، ص ۲۱۴، حدیث ۳۱.

۴– ۸۰. همان ص ۲۱۵، حدیث ۳۲.

در است و برای اهل قم یکی از آن درهاست. پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.(۱)

امام رضاعلیه السلام و لقب معصومه

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بانویی بهشتی، پیراسته از زشتی ها، غرق در عبادت و نیایش و شبنم معطر آفرینش است، شاید یکی از دلایل معصومه نامیدن این بانو آن باشد که عصمت مادرش حضرت زهراعلیها السلام در او تجلّی یافته است. براساس پاره ای از روایات، این لقب از سوی امام رضاعلیه السلام به این بانوی والا مقام اسلام داده شده است، چنان که فقیه بلند اندیش و سپید سیرت شیعه، علامه مجلسی رحمه الله در این باره می گوید: امام رضاعلیه السلام در جایی فرمود: هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.(۲)

القاب حضرت معصومه علیها السلام

به طور کلّی، سه زیارت نامه برای حضرت معصومه علیها السلام ذکر شده که یکی از آن ها مشهور و دو تای دیگر غیر مشهور است. اسامی و لقب هایی که برای حضرت معصومه علیها السلام در دو زیارت نامه غیر مشهور ذکر شده، به قرار ذیل است:(۳)

طاهره (پاکیزه) حمیده (ستوده) برّه (نیکوکار) رشیده (حد یافته) تقیّه (پرهیزکار) رضیّه (خشنود خدا) مرضیّه (مورد رضایت خدا) سیّده صدیقه

ص:۵۲

۱- ۸۱. همان، ص ۲۱۵، حدیث ۳۳.

۲- ۸۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۶۳.

۳- ۸۳. مزار آقا جمال خوانساری، عمده الزائر، ص ۱۲۵.

(بـانوی بسـیار راسـتگو)، رضـیه مرضـیّه (بانوی خشـنود خـدا و مورد رضای او) سـیّده نساء العالمین سـرور زنان عالم، همچنین محدثه و عابده از صفات و القابی است که برای حضرت معصومه علیها السلام عنوان شده است.

عالمه آل عبا

مرحوم مستنبط از کتاب کشف اللئالی نقل کرده و این کتاب تا به حال چاپ نشده و نسخه خطی آن در ایران نیست، گفته می شود که فقط یک نسخه از آن در کتاب خانه شوشتری ها در نجف اشرف موجود است.(۱)

مؤلف ارزشمند این کتاب صالح بن عرندس حلّی دانشمند پرارج شیعه در قرن نهم، صاحب شعر معروفی است که علامه امینی درباره اش می فرماید: در میان اصـحاب، مشـهور است که در هر مجلسـی این شعر خوانده شود وجود مقدّس حضرت بقیه اللَّه ارواحنا فداه حضور پیدا می کند.(۲)

متن کامل این اشعار را طریحی در منتخب، سیّد جواد شبر در ادب الطف و علامه امینی در الغدیر آورده اند.(۳)

آنچه از زبان مرحوم مستنبط از کتاب ابن عرندس نقل شده این است:

روزی جمعی از شـیعیان به قصد دیدار حضـرت موسـی بن جعفرعلیه السلام به مدینه منوره مشرف و به دودمان امامت شرفیاب شدند، معلوم شد که حضرت موسی

۱- ۸۴. مرحوم میرجهانی نسخه ای از این کتاب را در کتابخانه مرحوم محمّد سماوی دیده است. الجنه العاصم، ص ۱۴۸.
۲- ۸۵. الغدیر، ج ۷، ص ۱۴
۳- ۸۶. منتخب طریحی، ج ۲، ص ۳۲؛ ادب الطف، ج ۴، ص ۲۸۴.

بن جعفرعلیه السلام در مسافرت است. این عدّه پرسش هایی داشتند، نوشتند و به حضرت معصومه علیها السلام تحویل دادند و رفتند. روز بعد که می خواستند از مدینه به سوی وطن خود برگردند، دیدند که حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام هنوز از مسافرت برنگشته است.

نظر به این که ناگزیر از مراجعت بودند، پرسش های خود را مطالبه کردند که به سفر بعدی موکول شود. حضرت معصومه علیها السلام پاسخ پرسش ها را نوشت و به آن ها تسلیم کرد.

آن ها شادمان شده، مدینه را به قصد وطن ترک کردند.

در اثنای راه با حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام مصادف شدند که به سوی مدینه تشریف فرما بودند، داستان را به آن حضرت عرض کردند، حضرت فرمود: آن نوشته را به من بدهید. چون پرسش و پاسخ ها را مطالعه نمود، سه بار فرمود: فداها ابوها پدرش به قربان چنین دختری باد. با توجّه به این که حضرت معصومه علیها السلام به هنگام دستگیری پدر بزرگوارش خردسال بود، اگر این نقل صحّت داشته باشد، از مقام رفیع آن حضرت حکایت می کند و دلیل عالمه غیر معلّمه بودن آن حضرت خواهد بود.(۱)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اصحاب را به شنیدن حدیث و روایت کردن آن تحریک و تشویق می نمود و می فرمود: «نضراللّه امراً سمع منّا حدیثاً فبلّغه؛ خداوند نورانی کند کسی را که از ما حدیثی استماع کند و آن را ابلاغ نماید.(۲)

۱- ۸۷. زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۴ و ۵۳.
۲- ۸۸. شرف اصحاب الحدیث، ص ۱۹؛ به نقل کتاب زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام ص ۵۴ علی اکبر مهدی پور.

امام صادق علیه السلام می فرماید: حدیث فی حلال وحرام تأخذه من صادق خیرٌ من الدنیا وما فیها، من ذهب اوفضه؛ حدیثی که در پیرامون حلال و حرام از شخصی راستگو فراگیری، از همه دنیا و آنچه طلا و نقره در آن است بهتر است.(۱)

روایات وارده در پیرامون شرافت و فضیلت راویان حدیث بسیار فراوان است و برخی در این رابطه کتاب مستقلی تألیف کرده اند، که از آن جمله؛ خطیب بغدادی صاحب تاریخ بغداد است وی متوفای ۴۶۳ه.ق که ۳۳۴ روایت در این زمینه در کتابی به نام: شرف اصحاب الحدیث گرد آورده است.(۲)

تاریخ وفات حضرت معصومه علیها السلام

مدارک متعددی وجود دارد که حضرت معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ ه.ق در قم، وفات نموده است، چنان که در کاشی کاری های اطراف حرم که از قرن ها پیش به جای مانده مرقوم شده است. ولی در مورد روز و ماه وفات آن حضرت، اختلاف است تا سه قول گفته شده است:

۱) طبق برخی از مدارک، دهم ربیع الثانی، بوده است.

۲) مطابق بعضی از مدارک، دوازدهم ربیع الثانی بوده است.

۳) و بر اساس مدارک دیگر، هشتم شعبان بوده است.

هیچ یک از این سه قول، آن گونه که باید، مورد اطمینان نیست.

ولی همان گونه که بعضی از بزرگان گفته اند: انصاف این است که برای جمع

ص:۵۵

۱- ۸۹. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- ۹۰. زندگی کریمه اهل بیت، ص ۵۵.

بین قول اول و دوم و برای بزرگداشت مقام آن بزرگ بانوی دو جهان، سه روز (روز ۱۰ و ۱۲ و ۲۴ ربیع الثانی) به عنوان ایّام معصومیه مراسم سوگواری برقرار کرد. چنان که در سال های اخیر مسؤولین و دست اندرکاران آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام همین کار را شروع نموده، و این سنّت خوب به جریان افتاده است.

خواهران و برادران حضرت معصومه علیها السلام

این مطلب واضح و روشن است که بین مورّخین درباره فرزندان حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام اختلاف است و اقوال مختلفی را در کتاب های تاریخ برشمرده اند که ما به نقل شیخ مفیدرحمه الله که از بزرگان علمای شیعه و قدمای اصحاب است اکتفا می نماییم و قول ایشان را اختیار کرده و میزان قرار می دهیم. شیخ مفیدقدس سره می فرماید: تعداد فرزندان حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام سی و هفت نفر بوده اند که تعداد هیجده نفر آنها پسر و نوزده نفر دختر می باشند.

امّا پسران: ۱- حضرت علی بن موسی الرّضاعلیه السلام ۲- ابراهیم بن موسی ۳ - عباس بن موسی ۴ - قاسم بن موسی ۵ - اسماعیل بن موسی ۶ - جعفر بن موسی ۷ - هارون بن موسی ۸ - حسن بن موسی ۹ - احمد بن موسی (معروف به شاهچراغ) ۱۰ - محمّد بن موسی ۱۱ - عبد اللَّه بن موسی ۱۲ - حمزه بن موسی ۱۳ - اسحاق بن موسی ۱۴ - عبیداللَّه بن موسی ۱۵ - زید بن موسی ۱۶ - حسین بن موسی ۱۷ - فضل بن موسی ۱۸ - سلیمان بن موسی.

اما دختران:

۱ – حضرت فاطمه کبری ۲ – فاطمه صغری ۳ – رقیه صـغری بنت موسی بن جعفرعلیه السلام ۴ – حکیمه ۵ – ام ابیها ۶ – رقیه صغری ۷ – کلثوم یا کلثم ۸ – ام جعفر ۹ – لبانه ۱۰ – زینب ۱۱ – خدیجه ۱۲ – علیّه ۱۳ – آمنه ۱۴ – حِسنه ۱۵ – بُرَیْهه ۱۶ – عباسه ۱۷ – ام سلمه ۱۸ – میمونه ۱۹ – ام کلثوم(۱).

مخدّرات دیگری که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن هستند

بنا به نقل تاریخ قم و مرحوم علامه مجلسی، عدّه ای از خانم های وابسته به خاندان رسالت علیهم السلام در این بقعه شریفه مدفون می باشند که عبارتند:

۱ – میمونه دختر موسی مبرقع و نوه حضرت جوادعلیه السلام

۲ – امّ محمّد دختر موسی مبرقع و نوه حضرت جوادعلیه السلام

۳ – امّ قاسم دختر علی کوکبی.

۴ – امّ اسحاق جاریه محمّد فرزند موسی مبرقع

۵ – امّ حبیب جاریه ابو علی نوه حضرت امام رضاعلیه السلام

۱– ۹۱. ارشاد، ج ۲.

فصل سوم:زیارت حضرت معصومه علیها السلام

واژه زیارت

واژه معروف و محبوب زیارت با توجّه به مشتقات آن در معانی مختلفی به کار رفته است، که از آن جمله است:

دیدار، پیشواز، تمایل، اعراض، آهنگ سفر، مهیای سفر، مرکب تیز پا، گوشه چشم، عزیمت به سوی مقصود، اصلاح و تقویت خویشتن، سینه، قفسه سینه، بالا آمدن قفسه سینه و گرامی داشت مهمان.(۱)

فضیلت زیارت

دعـا و زیارت، پرو بال گشودن از گوشه تنهایی، تا اوج با خـدا بودن است. دعا و زیارت، جامی است زلال از معنویت ناب در کـام عطشـناك زنـدگی، و زیـارت حرم معصومه علیهـا السـلام بـارقه امیـدی در فضـای غبارآلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگـامه غفلت و بی خبری و نسـیمی فرحناك و برخاسـته از باغسـتان های بهشت است، زیارت مرقـد معصومه علیها السـلام به انسان اعتماد به نفس می دهد، و او را از غرق شدن در

۱- ۹۲. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۰؛ نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۸؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۱۹.

گرداب نومیدی باز می دارد و به تلاش بیشتر دعوت می کند. زیارت مزار با صفای کریمه اهل بیت علیهم السلام سبب می شود که زائر حرم، خود را نیازمند پروردگار ببیند، در برابر او خضوع کند، و از مرکب غرور و تکبر که سرچشمه تمامی بدبختی ها و سیه روزی هاست پایین می آید و حضرت معصومه علیها السلام را واسطه درگاه پروردگار عالمیان قرار دهد. بر همین اساس است که برای زیارت آن حضرت، پاداش بسیار بزرگی وعده داده شده و آن ورود به بهشت است. در این باره از امام جوادعلیه السلام نقل شده که فرمود: هرکس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.

شهر قم به واسطه حضور و دفن گوهری آسمانی از فرزندان باب الحوائج موسی بن جعفرعلیه السلام، الگوی عفت و حیا و تقوی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مفتخر به کسب مدال عُش آل محمد صلی الله علیه و آله گردید و به برکت آن، پرچمدار فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله و فقه پویای جعفری و منادی ایمان و معنویت شد. به یمن قدم های آسمانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قم تبدیل به سنگری مستحکم و دژی نفوذناپذیر در دفاع از اسلام و آرمان های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهارعلیهم السلام شده و پایگاهی عظیم و مهم برای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گردید.

آری طبق روایات وارده، شهر قم دری از درهای بهشت است و اگر قم نبود آسمان و زمین قرار نمی داشت و زمین اهلش را فرو می برد. قم مأوای فاطمیین است و قرارگاه یاران ولی اللّٰه الاعظم صاحب الزمان علیه السلام و قم زادگاه انقلابی است که همچون طوفانی سهمگین طومار ظلم و ستم را درهم می پیچد و استکبار جهانی را به زانو در می آورد. و در یک کلمه قم به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کانون نور، مرکز علم، معدن خیرات و برکات است و حجّت خدا بر

اهل زمین و چه افتخاری برای اهل قم که مجاور چنین فضای ملکوتی و چنین بارگاه نورانی و پربرکتی هستند.

بدیهی است که مجاورت با حرم مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام اقتضائات خاصّ خودش را دارد که بر همه ما رعایت آن لازم و ضروری است.

اهل قم به خوبی می دانند که نگاه جهانیان به آن ها دوخته شده است و همه دنیا شاهد بود که مردی از قم قیام کرد و ریشه ظلم و ستم را از کشور امیرالمؤمنین علی علیه السلام از بیخ و بن برکند و به اسلام و شیعه حیات تازه ای بخشید.

جناب آقای حاج سیّد حسن مولوی که داماد مرحوم آیت اللّه العظمی سیّد محسن حکیم قدس سره می باشد فرمودند: پیش از ماه رمضان (شعبان ۱۴۹ه.ق) شبی در عالم رؤیا دیدم که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام هستم و مشغول زیارت می باشم. یک مرتبه خورشید فروزان جهان هستی با عظمت و شکوه خاصی تشریف فرما شدند نقابی به صورت مبارکشان بود، ولی عظمت، جذابیت و نورانیت آن مهرفروزان چیزی نبود که در پشت نقاب مخفی شود. به سویش دویدم که دست مبارکش را بوسه باران کنم، راه خود را کج کردند و به سوی ضریح مقدس عمه بزرگوارشان تشریف فرما شدند.

یکی از فضلای برجسته حوزه و از موالیان دلسوخته و پاکباخته خاندان عصمت و طهارت جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج سیّد احسان اللّه سبزواری فرمودند: با یکی از دوستان در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نشسته بودم، از یکی از دوستان مورد اعتماد نقل کرد که شبی در عالم رؤیا دیدم که وجود مقدّس حضرت بقیّه اللّه اروحنا فداه در حرم مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام هستند و در این نقطه از مسجد بالاسر مشغول نماز هستند.

نقطه ای که ایشان اشاره کردنـد، کنار پایه در مسـجد بالاسـر، کمی عقب تر از درِ بزرگی است که مقابل ضـریح مقـدّس قرار دارد. بـا تـوجّه به انحراف قـبر مطهر نسـبت به ضـریح، این نقطه کمی عقب تر از محـاذات قـبر شـریف حضـرت معصومه علیها السلام می باشد. من از مشاهده طلعت زیبای خورشید فروزان امامت بسیار خوشحال شدم، نزدیک رفتم که سلامی عرض کنم و حاجات خود را به محضر مقدّس حجّت خدا عرضه بدارم، با دست مبارکشان به سوی ضریح اشاره کردند و فرمودند: من به عمّه ام جسـارت نمی کنـم، هر حـاجتی داریـد از ایشـان بخواهیـد. چه زیبـاست که حجّت الهی و قطب جهـان هسـتی، به عمّه بزرگوارشـان ارجـاع می کننـد و بـدین وسـیله سائل را به مقام شامـخ عمّه بزرگوارشان متوجه می کننـد. این همان نکته مهمی است که امر شـده در حرم ائمه علیهم السـلام مقـدم بر قـبر شـریف نمـاز نخوانیم، حتی در محـاذات قبر نیز نخوانیم، بلکه رو به ضریـح و یا در دو طرف ضـریح، عقب تر از قبر شـریف باشـیم، چنان که شـخص حضـرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در مورد محل نماز در حرم ائمه علیهم السـلام در توقیع شـریف مرقوم فرموده انـد: امّا نماز بایـد پشت سـر امام خوانـده شود و قبر شـریف در جلوی روی نمازگزار قرار بگیرد، هرگز جایز نیست که در پیش روی امام، یا در طرف راست و یا طرف چپ امام نماز خواند، زیرا نمی شود که مقدم یا مساوی با امام علیه السلام ایستاد.(۱)

جالب توجّه است که حضرت ولی عصر اروحنا فداه در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نیز این نکته را رعایت فرموده اند. ولی برخی از مردم حتی در حرم ثامن الائمه علیه السلام این موضوع را رعایت نمی کنند.

۱- ۹۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹.

سند زیارت نامه

زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام به تصریح علّامه مجلسی قدس سره از محضر مقدّس امام رضاعلیه السلام روایت شده است.(۱)

علّامه مجلسی علاوه بر دائره المعارف بزرگ بحارالانوار در کتاب ارزشمند تحفه الزائر نیز این حدیث شریف مشتمل بر زیارت نامه را از امام رضاعلیه السلام نقل فرموده است.(۲)

اهمیت درج این روایت در کتاب تحفه الزائر آن است که علّامه مجلسی در مقدّمه آن ملتزم شده که در آن تنها زیارت هایی را نقل کند که با سند معتبر به دستش رسیده باشد.(۳)

بعد از علّامه مجلسی، شخصیت برجسته جهان تشیّع، مرجع والامقام آیت اللّه آقا جمال خوانساری متوفای ۱۱۲۵ه.ق این حدیث را در کتاب مزار خود آورده و می فرماید: در روایت معتبر دیگر نقل نموده اند که حضرت امام رضاعلیه السلام به سعد اشعری فرمود: که ای سعد نزد شما از ما قبری هست.(۴)

پژوهشگر بزرگ، آیت اللّه حاج سیّد حیدر کاظمی؛ متوفای ۱۲۶۵ ه.ق درکتاب پرارج عمده الزائر زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام را به شرح زیر آورده است:

در برخی از کتب مزار اصحاب ما با سند حسن از سعد از علی بن موسی الرّضاعلیه السلام روایت شده که خطاب به سعد فرمود: ای سعد برای ما در نزد شما قبری هست... تا پایان زیارت نامه.(۵)

۱- ۹۴. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.

۲- ۹۵. تحفه الزائر، ص ۵۰۵.

۳- ۹۶. همان، ص ۳.

۴- ۹۷. مزار آقا جمال خوانساری، ص ۱۰۴.

۵- ۹۸. عمده الزائر، ص ۳۹۸.

سیّد حیدر کاظمی از مراجع برجسته قرن سیزدهم و نیای بزرگ خاندان رفیع آل سیّد حیدر در کاظمین بود. شیخ آغا بزرگ تهرانی در حقّ او می نویسد: عالم، فقیه، محدّث، جلیل القدر، مرجع عام و خاص غیور در دین و مدافع سرسخت در دفاع از حریم پروردگار بود(۱) در قم شهری است که متجاوز از چهار صد امام زاده واجب التعظیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدّس، پیکر پاک این عدّه کثیر از آل علی علیه السلام را در خود جای داده است و علما و فقها و محدثین بزرگ شیعه و اصحاب ائمه علیهم السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در اطراف حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند که به شمار نمی آید.

و روی این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل القدر، مرحوم حاج محمّد ابراهیم کلباسی (کرباسی) اعلی اللَّه مقامه، مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی، بنابر آنچه که منقول و معروف است، هنگامی که از اصفهان به قم می آمد، از پل علی خانی (دروازه معصومه سابق) یا از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام کفش های خود را بیرون آورده و به دست می گرفت و تا حرم مطهر، پیاده می رفت و می فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدّثان بسیار آرمیده اند و سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است.(۲)

زیارت حضرت معصومه علیها السلام از منظر روایات

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام روایات فراوانی از پیشوایان

۱- ۹۹. الکرام البیره ج ۱، ص ۴۴۸

۲- ۱۰۰. بانوی ملکوت، ص ۴۲.

معصوم علیهم السلام رسیده است؛ از جمله، هنگامی که یکی از محدثان برجسته قم، به نام سعد بن سعد به محضر مقدّس امام رضاعلیه السلام شرفیاب می شود، امام هشتم خطاب به ایشان می فرماید: ای سعد! از ما در نزد شما قبری است. سعد می گوید: فدایت شوم، آیا قبر فاطمه دختر موسی بن جعفرعلیه السلام را می گویید؟ می فرماید: آری، هرکس او را زیارت کند، در حالی که به حقّ او آگاه باشد، بهشت از آن اوست.(۱)

پیشوای جهان تشیع امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد. و در حدیث دیگری آمده است: زیارت او هم سنگ بهشت است.(۲)

زیارت نقل شده درباره حضرت معصومه علیها السلام

یکی از ویژگی های حضرت معصومه علیها السلام ورود زیارت نامه ای از سوی معصومان علیهم السلام درباره ایشان است که پس از حضرت فاطمه زهراعلیها السلام او تنها بانوی بزرگواری است که زیارت مأثور دارد. بانوان برجسته ای چون: آمنه بنت وهب، فاطمه بنت اسد، خدیجه بنت خویلد، فاطمه امّ البنین، زینب کبری، حکیمه خاتون ونرجس خاتون که هیچ شک و تردیدی در مقام بلند و جایگاه رفیع آن ها نیست؛ هیچ کدام زیارت مأثور از سوی معصومان علیهم السلام ندارند و این نشان دهنده مقام والای این بانوی گرانقدر اسلام است، باشد که شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به ویژه بانوان، این مقام بزرگ و عالی را پاس بدارند

ص:۶۴

۱- ۱۰۱. عمده الزائر، ص ۳۹۵.

۲- ۱۰۲. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۱۴.

و همـواره الگـو و مظهر عفـاف و تقوا و حیـا باشـند. تنهـا در این صورت است که روح بـا عظمت این بـانوی بزرگ از همه ما خشنود خواهد شد.

اهتمام شیعه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام

زیارت حضـرت فاطمه معصومه علیها السـلام در نزد شـیعیان، بسیار با اهمّیت است و آنان از دیر زمان، بدان اهمّیت داده، حتّی اگر ساکن قم نباشند رنج سفر را بر خود هموار کرده برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبه دربار خدا به قم مشرف می شوند.

بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضاعلیه السلام به ایران می آیند، اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منوّر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را هم زیارت کنند.

و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام از اطراف و اکناف ایران، از اقصی نقاط جهان و از بلاـد دور دست، برای درک فیوضات بی شـمار در پرتو زیارت آن معظمه آل عصـمت، به قم آمـده، در کنار قبر شـریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می کنند.

عشق و علاقه قلبی و عمیق دلداگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به زیارت کریمه خاندان وحی، حضرت معصومه علیها السـلام چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقمندان آن حضرت، وارد شهر قم می شوند و چون در این شهر، آشنایی نداشـته و وضع مالی و مادّی آنان ایجاب نمی کند که در هتل ها و حتی مسافرخانه های معمولی سکونت کنند، در کنار رواق ها و صـحن های شـریف و گاهی در میادین و خیابان های مجاور حرم شـریف مختصـر چیزی را انـداخته، فرش می کننـد و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم، مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می نمایند و همان جا در گرما و سرما استراحت می نمایند.

ص:۶۵

آری، همه این سختی ها را تحمّل کرده و برخود هموار می سازند. دلخوشی آنان به این است که توانسته اند، قبر مطهّر دختر موسی بن جعفرعلیهما السلام را زیارت کنند، اینها مظاهر عشق و علاقمندی مردم مسلمان و دیندار، به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت علیهم السلام است، علمای بزرگ و طراز اوّل شیعه، همواره اهتمامی ویژه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام داشتند؛ از جمله آنان، مرحوم آیت اللّه گلپایگانی قدس سره بودند. ایشان سالیان سال، نماز صبح را در مسجد بالاسر می خواندند و در همین فرصت، مدّتی را نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام می نشستند و به زیارت و دل گویی با آن حضرت می پرداختند.

در سال های اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس، به حرم مشرف می شدند و مدّتی را بالای سر حضرت معصومه علیها السلام درست متصل به قبر مبارک، به زیارت و عبادت می پرداختند.

مرحوم حاج آقا حسین فاطمی رحمه الله راجع به استادش، مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت معصومه علیها السلام بسیار جدّیت داشتند، با داشتن مرض قلب، همه روزه به حرم مشرّف می شدند.(۱)

از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می شود که زیارت حضرت معصومه علیها السلام اختصاص به شیعه نداشته، بلکه اهل سنّت و علمای و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می رفته اند.

ص:۶۶

۱- ۱۰۳. جامع الدرر، ج ۲، ص ۲۲۸.

عبارت او در این مورد چنین است:

و اهل قم به زیارت فاطمه علیها السلام بنت مطهّره موسی بن جعفر روند که ملوك و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرّب نمایند.(۱)

محبت و مباهات حضرت معصومه علیها السلام به امام هشتم علیه السلام

شیخ محمّد تقی تستری (شوشتری) در قاموس الرّجال، حضرت معصومه علیها السلام را به عنوان بانوی اسوه معرّفی کرده و فضیلت وی را در میان دختران و پسران حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام غیر از امام رضاعلیه السلام بی نظیر دانسته است، ایشان در این زمینه چنین می نویسند: در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان، بعد از امام رضاعلیه السلام کسی هم شأن حضرت معصومه علیها السلام نیست.

بی گمان این گونه اظهار نظرها و نگرش به شخصیّت فاطمه دختر موسی بن جعفرعلیه السلام بر برداشت هایی استوار است که از متن و روایات وارده از ائمه اطهارعلیهم السلام به دست آمده است، این روایت ها، مقام هایی را برای فاطمه معصومه علیها السلام برشمرده اند، مقامی که نظیر آن را برای دیگر برادران و خواهران وی ذکر نکرده اند و به این ترتیب، نام فاطمه معصومه علیها السلام در شمار زنان برتر جهان قرار گرفته است.

شفاعت حضرت معصومه علیها السلام

بالاترین جایگاه شفاعت، از آن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که در قرآن

۱- ۱۰۴. النقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۶۴۳.

کریم، از آن به مقام محمود، تعبیر شده است، همین طور دو تن از بانوان خاندان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله شفاعت گسترده ای دارند که بسیار وسیع و جهان شمول است و می تواند همه اهالی محشر را فرا گیرد، این دو بانوی عالی قدر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهراعلیها السلام و شفیعه روز جزا و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هستند. در مورد شفاعت گسترده حضرت زهراعلیها السلام همین بس که شفاعت، مهریه آن حضرت است و به هنگام ازدواج، پیک وحی طاقه ابریشمی از سوی پروردگار آورد که در آن جمله: خداوند مهریه فاطمه زهرا را، شفاعت گنهکاران از امّت محمد صلی الله علیه و آله قرار داد. این حدیث از طریق اهل سنّت نیز نقل شده است.(۱)

پس از فاطمه زهراعلیها السلام از جهت جایگاه شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر، حضرت معصومه علیها السلام نمی رسد. بر همین اساس است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: با شفاعت او، همه شیعیان وارد بهشت می شوند.(۲)

بیت النّور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام

یکی از مدارس علوم دینی قم، مدرسه ستیه است که در محله میدان میر جنب عبادت گاه حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و مشهور است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران اقامتشان در قم (یعنی در فاصله ورود تا وفاتشان) در این مکان به سر می برده و دوران هفده روز کسالت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده اند و برای آن مجلله معظمه، در آن مکان، محرابی بوده است که در آن عبادت می کرده اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق، آن بقعه مبارکه را بیت النّور

۱- ۱۰۵. بانوی ملکوت، ص ۱۱۰.

۲- ۱۰۶. همان.

خوانده اند و آن بقعه، جزء خانه موسی بن خزرج بوده که وی از حضرت معصومه علیها السلام در آنجا پذیرایی کرده است.(۱)

در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی رحمه الله در شرح حال حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده آورده است که محراب نماز فاطمه معصومه علیها السلام تا هم اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است.(۲)

مرحوم محدّث قمی رحمه الله بعد از نقل این مطلب می گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب، موجود است و آن واقع است در محله میدان میر و معروف است به ستّیه و ستی به معنی خانم و بی بی است.(۳)

و ما نیز مکرّر به زیارت آن مکان مقدّس رفته ایم. حجره مزبور که محراب مبارك حضرت معصومه علیها السلام در آن قرار دارد در قسمت جنوبی مدرسه، واقع شده است.

در پیشانی درگاه شمالی بقعه، عبارت: یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه و در ذیل آن، این بیت ثبت است:

این جایگاه کیست که این سان منور است

این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است

دو نکته مهم و قابل توجّه

۱ - دخت بلند مقام حضرت موسی بن جعفرعلیها السلام در مدت هفده روز که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش ترتیب داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم پیروان مکتب

۱- ۱۰۷. بانوی ملکوت، ص ۹۵.

۲- ۱۰۸. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۹.

۳- ۱۰۹. منتهی آمال، ج ۲، ص ۱۶۲.

آل محمد صلی الله علیه و آله به ویژه زنان و دختران مسلمان است که به نماز و نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند و آن را امری سهل و آسان قلمداد ننمایند.

۲ – الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید که این بانوی با کرامت از دو نقطه شهرستان قم، فیض بخشی می کند: یکی اقامتگاه چند روزه او و دیگری مدفن پیکر پاکش. و هر دو مکان، از قداست خاصی بر خوردار است و متوسلان به ذیل عنایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، گاهی از آن بقعه مبارکه و دیگرگاه از این قبه و مطهّره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز به درگاه الهی بلند می نمایند و مشمول افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می شوند.

از رهگذر خاک سرکوی شما بود

هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

ص:۷۰

فصل چهارم :کرامات حضرت معصومه علیها السلام

توضیحی درباره کرامت و ولایت تکوینی

یکی از اقسام ولایت ها که در سطح بالایی قرار داد (ولایت تکوینی) است. ولایت تکوینی آن است که کسی توانایی تصرّف در جهان آفرینش داشته باشد، مثلاً- حضرت عیسی علیه السلام دارای مقام ولایت تکوینی بود، یعنی می توانست در جهان خلقت تصرف کند و به تعبیر قرآن، به اذن خدا، با دمیدن به مجسّمه گِلی پرنده، آن را زنده کرده و به پرواز در آورد و یا کور مادر زاد را بینا نماید، و یا بیماری بی درمان برص را درمان بخشد و از همه بالاتر مرده را زنده کند.(۱)

این قدرت ملکوتی عیسی علیه السلام به خاطر آن بود که او عبد کامل خدا و از اولیاء و پیامبران بود. و انسان می تواند در پرتو بندگی خالص و کامل به چنان مقاماتی برسد. و مظهر صفات کمال و جلال خدا گردد، چنان که امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «العبودیّه جوهرهٌ کُنهها الرّبوبیه؛ عبودیت و بندگی گوهری است که ربوبیّت در آن نهفته است».(۲)

یعنی عبودیّت انسان را به قدری به خدا نزدیک می کند که مظهر صفات خدا می شود، و به اذن پروردگار می تواند در جهان تکوین، تصرّف کند.

توضیح این که وصول به ربوبیّت در پرتو پیمودن مراحل عبودیّت گرچه در

ص:۷۱

۱- ۱۱۰. سوره آل عمران، آیه ۳۹.

۲- ۱۱۱. مصباح الشریعه، ص ۱۰۰.

ظاهر تعبیر زننده ای است؛ زیرا معنی این جمله: از بندگی تا خداوندگاری است، مگر می شود انسان از مرز بندگی خارج شود، یا در مرز خدایی گام بگذارد؟

«این التراب و ربّ الارباب؛ خاک کجا و پروردگار پروردگارها کجا؟»

ولی به گفته استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله باید توجّه داشت که خدایی غیر از خداوندگاری است، مقصود از حدیث فوق این است که انسان در پرتو بندگی به خداوندگاری می رسد.(۱)

یعنی انسان در پرتو پیمودن مراحل عالی بندگی، دارای روح ولایت تکوینی می شود و می تواند کارهای معجزه آسا کند و کرامت های عجیب از او سرزند.(۲)

حضرت معصومه علیها السلام نیز بر اثر کمال عبودیت و عرفان و دستیابی به مقامات عالی معنوی به مرحله ای رسید که دارای چنین امتیازی شده و می تواند از مقام ولایت خود استفاده کرده و کارهای معجزه آسا و کرامت های شگفت کند. در اینجا به چند نمونه از باب تبرک، نظر خوانندگان گرامی را جلب می کنیم.

چند کرامت از حضرت معصومه علیها السلام

۱ - محروم از فیض حضور

نقل می کنند شخصی به نام سید عبدالرحیم که مورد وثوق بود، گفت: در عالم خواب دیدم، در قبرستان بزرگ قم جمعیت بسیاری هستند، در این هنگام شخصی بزرگواری را که سوار بر اسبی بود و از بازارچه می آمد مشاهده نمودم، دیدم در پشت سر آن سوار، شخصی گفت: این سوار حضرت حجّت علیه السلام

۱- ۱۱۲. ولاءها و ولایت ها شهید مطهری، ص ۸۲

۲- ۱۱۳. حضرت معصومه علیها السلام؛ فاطمه دوم، ص ۱۸۷.

می باشد، تا این خبر را شـنیدم، سراسـیمه به دنبال آن حضـرت شـتافتم، دیدم آن حضـرت به صحن مطهر آمد و در آنجا پیاده شد.

صحن خلوت بود، کسـی را جز آن حضرت و شخصی که همراهش بود در آنجا ندیدم، مشاهده کردم که آن ها عبور کرده تا به در صـحن عتیق رسـیدند، افسار اسب را به دست من دادنـد تا آن را نگهـدارم، با خود گفتم نگهداشـتن اسب خوب است یا همراه حضـرت بودن؟ سـرانجام همراهی حضرت را برگزیدم و افسار اسب را به دست همان شخصـی که همراه امام بود دادم و خودم به دنبال حضـرت روانه شدم، دیدم حضـرت وارد حرم شد و در بالا سـر مرقد حضرت معصومه علیها السلام توقف کرد، هیـچ کس از خـدام نبودنـد، پیش خود فکر می کردم آیا به حضور حضـرت بودم یا نروم؟ در کنار رواق ایسـتادم، صـدای آن حضـرت را می شـنیدم، امّا چیزی نمی فهمیـدم، پس از مـدتی آن حضـرت از حرم بیرون آمـد و من نیز از حرم بیرون آمـدم و پشت سـر او به راه افتـادم، ولی ناگهـان ناپدیـد شـد و هرچه جست و جـو کردم دسـتم به دامنش نرسـید و از فیض حضـور آن بزرگوار محروم گشتم.(۱)

۲ – نجات گروه سرگردان با راهنمایی حضرت معصومه علیها السلام

سـال هـا قبل از انقلاب، گروهی از مردم یکی از شـهرهای دور، در فصل زمسـتان برای زیارت حضـرت معصومه علیها السـلام عازم شـده بودنـد. شب فرار رسـید، برف سـنگینی در زمین نشسـته بود، این گروه در چنـد فرسـخی قم راه را گم کردنـد و در بیابان بدون وسـیله سـرگردان شده و در مخاطره شدید قرار گرفتند همانجا دست توسل به دامن حضـرت معصومه علیها السلام زدند تا با نشان دادن راه، آن ها را از خطر برهاند.

۱- ۱۱۴. انوار مشعشعین. ج ۱، ص ۲۱۲.

طبق سند موثق، یکی از خدام آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام مرحوم سیّد محمّد رضوی می گوید: در آن شب (بدون اطلاع از زائران در به در و سرگردان) در حرم بودم، اندکی خوابیدم، در عالم خواب دیدم حضرت معصومه علیها السلام نزد من آمد و فرمود: برخیز چراغ گلدسته ها را روشن کن به ساعت نگاه کردم دیدم اندکی از نیمه شب گذشته و هنوز چهار ساعت به اذان صبح باقی است و ما طبق معمول اندکی قبل از اذان، چراغ های گلدسته های را روشن می کردیم).(۱)

خوابیدم، دوباره حضرت معصومه علیها السلام را در خواب دیدم، این بار با تندی به من فرمود: برخیز مگر نگفتم چراغ های گلدسته ها را روشن کن. برخاستم و چراغ گلدسته ها را روشن کردم، دیدم برف سنگینی آمده و همه جا را سفید پوش نموده است ولی شگفت زده شده بودم که چرا امشب به دستور حضرت معصومه علیها السلام چراغ ها را زودتر روشن نموده ام؟ آن شب به سر آمد، صبح روز بعد که هوا آفتابی بود، از حرم عبور می کردم، شنیدم چند نفر از زائران به همدیگر می گویند: حضرت معصومه علیها السلام به داد ما رسید، چقدر باید از محضر مقدسش تشکر و سپاس گزاری نماییم! اگر چراغ های گلدسته ها روشن نمی شد، ما در دل شب و آن تاریکی ظلمانی راه را هرگز پیدا نمی کردیم. راز خواب را دریافتم که چرا حضرت معصومه علیها السلام به من می فرمود: برخیز و چراغ گلدسته ها را روشن کن.(۲)

۳ - رفع خطر شدید سیل:

کسانی که به وضع جغرافیایی شهر قم آگاهی دارند می دانند که در وسط

۱- ۱۱۵. با توجّه به این که در آن عصر برق شهر قم کم بود، و تنها برقی که موتور مستقل داشت و نور آن از دور پیدا بود، برق آستانه مقدسه بود.

۲- ۱۱۶. حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۰ به نقل از ماهنامه کوثر، نشریه آستانه مقدسه قم.

شهر قم رودخانه بزرگی قرار گرفته که مسیر آب باران ده ها فرسخ از زمین های قبل از پایین گلپایگان و دلیجان تا خود قم به همین رودخانه ریخته و در نهایت به دریاچه قم می ریزد. هنگام بارش های شدید پی در پی، سیل های خطرناکی در این رودخانه به جریان می افتد، و چنان که تاریخ قم نشان می دهد قرن ها پیش تاکنون چندین بار طغیان سیل رودخانه، موجب خسارت های بسیار شده است. در یکی از این موارد نوشته اند: زمانی سیل بسیار عظیمی آمد که اهل قم را فوق العاده ترسانده، هر لحظه انتظار می رفت که خطر سیل ساختمان ها را ویران کند. در این بحران شدید مشاهده شد که دستی نمایان گردید و به سیل اشاره کرد، و آن سیل به سوی دیگر رفته و رفع خطر نمود، از این رو شیخ زکی باغبان در شرفنامه معروف خود می گوید:

روزی که سیل سیمره از رود ناربار

آمد به شهر قم ز قضایای کردگار

دانی که کرد دفع بلا از این دیار

معصومه بود دختر موسی سرفراز

ذریه رسول خدا، غمگسار قم(۱)

۴ – نقّاره خانه به صدا درآمد

۴ – نقّاره خانه به صدا درآمد(۲) نقل می کنند در زمان مرجعیت مرحوم آیه اللّه العظمی حاج شیخ

ص:۷۵

۱– ۱۱۷. انوار المشعشعین، ج ۱.

۲– ۱۱۸. سابقاً در قم نقاره خانه بود که اکنون در مشهد هست، طبق معمول آن زمان هرگاه کرامتی از حضرت معصومه علیها السلام دیده می شد، نقاره خانه را به صدا در می آوردند تا مردم را از حادثه مهم خبر دهند و هم اکنون در نیز این سنّت تجدید شده است.

عبدالکریم حائری، شخصی بود که بسیاری از مردم قم او را دیده بودند، قسمت پایین بدنش کم حس و فلج بود، به طوری که توانایی حرکت نداشت و هنگام راه رفتن پای خود را روی زمین می کشید، وی از اهالی قفقاز بود برای شفای پای خود به مشهد رفته بود ولی نتیجه ای نگرفته بود به قم آمده و به حضرت معصومه علیها السلام رو آورده بود تا شفا بگیرد. در یکی از شب های ماه رمضان بود که صدای نقاره خانه بلند شد، علت پرسیدند، گفتند حضرت معصومه علیها السلام شخصی را که در پا عاجز بود شفا داد، بعد معلوم شد که او همان شخص قفقازی است وقتی او را دیدند مثل این که اصلاً درد پا در او نبوده است و خودش می گفت: دیگر دردی در بدن و پای خود احساس نمی کنم.(۱)

۵ – توسل ملاصدرا به حضرت معصومه علیها السلام

صدرالدین محمّد بن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا و صدر...م ـــ...لهین......علما، حکما و فلاسفه بزرگ دوره صفویان است، او پس از مرگ پدر، از شیراز به اصفهان آمد و در آنجا از محضر درس شیخ بهایی و میرداماد به کسب علم نمود و خود اعجوبه زمان و افتخار حکمای دوران گردید، او مدّتی از عمر خود را در روستای کهک (که در چند فرسخی قم واقع شده) به سر برد و به تفکّرات عمیق پرداخت.

او مکرر به مکه برای انجام مراسم حجّ و عمره رفت و سرانجام در سفر هفتم هنگام مراجعت، در سال ۱۰۵۰ ه.ق در بصره درگذشت، تألیف های او به زبان عربی از این قرار است: اسفار اربعه، شرح اصول کافی، کتاب الهدایه و شرح حکمه

۱- ۱۱۹. زندگی حضرت معصومه علیها السلام، ص ۴۵.

الاشـراق. دو نفر از شاگردان برجسـته او به نام های ملامحسن فیض کاشانی و مولی عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض صاحب کتاب شوارق، مشارق و گوهر مراد، داماد او شدند و خود از دانشـمندان و اساتید بزرگ عصر خود بودند، ملاصدرا هرگاه در مطالب علمی به مشـکلات پیچیده برخورد می کرد، از روسـتای کهک به زیارت حضـرت معصومه علیها السـلام می آمد، و با توسـل به آن بی بی دو عـالم مشـکلات علمی اش حـل می شـد، و از منبع فیض وجود مبارک حضـرت معصومه علیها السـلام مستفیض می گردید.(۱)

مرحوم آیه اللَّه العظمی سیّد شـهاب الـدین مرعشـی نجفی رحمه الله مکرر می فرمود: هر وقت برای ملاصدرا مشـکل علمی یا مطلب مبهمی پیش می آمـد، در حرم مطهر حضـرت معصومه علیهـا السـلام به بی بی مکرّمه متوسل شـده، و با اسـتمداد از آن بانوی دو عالم مشکلش حل و آسان می شد.(۲)

۶ – هلاکت مزدور گستاخ

در عصـر رضاخان و کشف حجاب، روزی رئیس شهربانی قم که مردمی گستاخ و بدزبان بود، به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السـلام وارد شـد و در همانجا به زنان باحجاب حمله کرد، تا چادر از سـرشان بگیرنـد، آه و ناله زنان بلنـد شـد در همین احوال غیرت آیه اللَّه مرعشـی نجفی رحمه الله که در آنجا حضور داشت، به جوش آمد و به آن قسـمت رفته و برای جلوگیری از این واقعه، پس از بگو و مگو با او، سـیلی محکمی به صورت رئیس شهربانی زد، او که از این سیلی سخت یکه خورده بود، آیه اللَّه مرعشی نجفی را تهدید به قتل نموده ولی روز بعد همین

۱– ۱۲۰. فواید الرضویه، ص ۳۷۹.

۲– ۱۲۱. گنجینه دانشمندان، ج ۱ ص ۳۹.

رئیس گستاخ وارد بازار قم گردید، از قضا قسمتی از سقف ساختمان بازار بر سر او خراب شده، و او در همان دم به هلاکت رسید و از دنیا رفت.(۱)

و این حادثه هم از کرامت های حضرت معصومه علیها السلام است که در حرمش، ستمگر گستاخی به زنان باحجاب حمله کرد، و سپس عالم بزرگ آیه اللّه العظمی نجفی را تهدید به قتل نمود، و هم از کرامت آیه اللّه العظمی مرعشی به حساب می آید.(۲)

۷ – شفای دخترک مبتلا به فلج

در آستانه سال ۱۳۷۵ شمسی که مقارن با اوّل ذیقعده ۱۴۱۶ هجری قمری برابر با سالروز ولادت حضرت معصومه علیها السلام بود، کریمه اهل بیت علیهم السلام در دل زائرین خود نور امید تابانید و برای زائر دل خسته و دل شکسته خود که دخترک ۱۱ ساله از اهالی مازندران بود از خدای متعال طلب شفا نمود.

زائری در نهایت پاک دلی و خلوص مدّت ها به گلو درد و حالت تهوع مبتلا ـ بود سرانجام بیماری او به فلج در ناحیه پای راست تبدیل گردید. پس از معالجات مکرر نزد اطبّای متعدد، مأیوس شد و در حالی که در هاله ای از غم فرو رفته بود به آینده تاریک خود فکر می کرد تا این که به زیارت این بانوی مکرمه دعوت می شود. در شب جمعه ۱۳۷۴/۱۲/۳ به همراه خانواده خود به حرم مطهر مشرف می شوند و در حالی که مادر مهربان و دل سوخته او از سرشب تا به صبح در کنار فرزند دردمند خود بیدار می ماند و با خدای بزرگ راز و نیاز می نماید و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دخت گرامی امام هفتم موسی

۱- ۱۲۲. بر ستیغ نور، شرح حال آیه اللّه نجفی مرعشی، ص ۷۷.

۲- ۱۲۳. حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۸.

بن جعفر علیهما السلام را به شفاعت می خواند، نزدیک اذان صبح مشاهده می کند بیمار او که مدت ها توان ایستادن و حرکت نداشت از خواب برخاسته و روی پا می ایستد! مادر با تعجب از حال او می پرسد و او را راه می برد و متوجه می شود که سلامت فرزندش بازگشته و مورد لطف و کرامت کریمه اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. پس از دو روز از این واقعه که سلامتی این طفل تحقیق و تثبیت شد در دفتر کرامات حضرت معصومه علیها السلام ثبت گردید.

آری اینجاست که جایگاه بلند لطف و مهربانی خداوند است. اینجاست که چنانچه با اخلاص و دلی سوخته قدم برداری بنا بر مصلحت الهی حاجت روا می گردی و این نمونه ای از هزاران عنایتی است که از جانب خدا و از آستین محدثه آل طه، مریم آل رسول، کریمه اهل بیت علیهم السلام فاطمه معصومه علیها السلام صادر گردیده امید که این عنایات خاصه شامل حال همه زائرین مخلص و با صفای این بارگاه نورانی قرار گیرد.(۱)

۸ – لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحش

آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سیّد جعفر احتشام) از منبری های قم بودند. پدر و پسر از قول آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی (که مرد روضه خوان با اخلاصی بود و قبل از درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله چند دقیقه خطبه ای از نهج البلاغه و ذکر مصیبت مختصری می خواند) نقل کردند که او گفت: «ما اهل منبر با هم در مواقع تعطیلی، دوره ای داشتیم و دور هم جمع می شدیم و خودمان برای خودمان روضه می خواندیم. شبی من

۱- ۱۲۴. واحد تبلیغات آستانه مقدسه سال ۱۳۷۵ شمسی.

(یعنی آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی) در خواب دیدم که خواستم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوم گفتند: ورود به حرم ممنوع است برای این که حضرت معصومه علیها السلام (با حضرت زهرا علیها السلام) - در بالای ضریح خلوت کرده اند و کسی را راه نمی دهند. من گفتم مادرم سیده بوده است و من محرم حضرت هستم، به من اجازه دادند رفتم دیدم که بله این دو با هم نشسته اند و در بالای ضریح با همدیگر صحبت می کنند از جمله صحبت ها این بود. که حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زهرا علیها السلام عرض می کند: حاج سیّد جعفر احتشام (روضه خوان خودم را می گویم) برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت زهرا علیها السلام می خواند. آقا شیخ ابراهیم این خواب را در آن جلسه دوره ای که اهل منبر در آن جمع بودند و حاج احتشام هم حضور داشت نقل می کند، حاج احتشام می گوید از آن شعرها چیزی یادت هست گفت: بله در آخر شعر داشت (دخت موسی بن جعفری) تا این را گفت حاج احتشام زد زیر گریه و گفت: بله توی اشعار من این کلمه هست.

این احتشام از منبری های قم بود و خیلی باحال بود، هیچ منبری را ندیدم که خودش گریه کند و ایشان خودش روضه می خواند و خودش گریه می کرد بَکّاء بود و گریه زیاد می کرد. آقا حسن احتشام فرزند حاج احتشام گفت: به ایشان گفتم شعرا در آخر شعرشان تخلص دارند. شما هم برای خود تخلص تعیین کن، هرچه گفتم قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت:

ای فاطمه به جان عزیز برادرت

به احتشام لطف نما قصر اخضری

ایشان گفت قصر اخضر هم لطف کردند. گفتم چطور؟ گفت: همانجا که آقای

مرعشی رحمه الله سجاده می انداختند، آنجا را به رنگ سبز گچ کاری کردند با سنگ مرمر و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر واقع شد.

۹ – شفای سیّد فلج

سیدی بود در زمان مرحوم آیت اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره به نام حاج آقا جمال هژبر که فلج شده بود و او را به دوش می گرفتند و در مجلس روضه ای که از طرف مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره در دهه عاشورا در مدرسه فیضیه منعقد می شد شرکت می کرد. او را به دوش می کشیدند و از اینجا به آنجا می برند. آقای سیّد علی سیف، خادم مرحوم حاج شیخ قدس سره که مردی خدوم و صریح اللهجه ای بود روزی در مجلس روضه به آن سیّد (آقا جمال) گفت: ای سیّد اگر راست می گویی و تو سیّد هستی چرا مردم را اذیت می کنی؟ از حضرت معصومه علیها السلام بخواه تو را شفا بدهد. این حرف به سیّد اثر کرد و غیظش گرفته و به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف گردید. و شال (عمامه) خود را از سرش باز کرد و به ضریح مقدّس بست و عرض کرد: پا نمی شوم تا شفا بگیرم.

خوابش برد. در خواب او را شفا دادند و کاغذی کف دستش گذاردند و به او گفتند: این کاغذ را به حاج سیّد حسین آقا علوی بده. وقتی که از خواب بیدار شد کاغذ را در دستش دید، جرأت نمی کرد کاغذ را از مشتش بردارد. گفته بود به حاج شیخ عبدالکریم قدس سره هم نمی دهم، به هیچ کس نمی دهم و جرأت هم نمی کرد باز کند و نگاه کند، کاغذ در مشتش بود و می گفت: تا به حاج سیّد حسین آقا ندهم به کس دیگری نمی دهم (حتی به حاج شیخ عبدالکریم نشان نداد) معلوم نیست در آن کاغذ چه نوشته شده بود.(۱)

ص:۸۱

۱– ۱۲۵. این دو کرامت {شماره ۸ و ۹} به نقل از مرحوم آیت اللّٰه العظمی اراکی می باشد که سلمان عصر بود و تردیدی در راست گویی او نیست. حضرت آیت اللّٰه العظمی اراکی قدس سره در سن ۱۰۳ سالگی در ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ قمری (۱۳۷۳ شمسی) رحلت کرد، مرقد شریفش در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است.

۱۰ – شفا در حرم حضرت معصومه علیها السلام باعنایت حضرت عباس علیه السلام

بـانویی مـدت هـا براثر بیمـاری طولانـی و شدیـد یکی از نزدیکـانش رنـج می برد، از معالجـات و درمـان ها نتیجه نگرفته بود، دستش از همه جا بریده و به حرم حضـرت معصومه علیها السـلام پناهنده شد، و به آن بانوی ارجمند توسل جست، همچنان به توسل خود ادامه داد، تا این که شبی در عالم خواب دیـد حضـرت معصومه علیها السـلام به بالین او آمد و فرمود: بیمارت را به حرم من بیاور و در این مکان خاص که در عالم خواب نشان داد بگذار، بنا است عمویم حضـرت عباس علیه السـلام به زیارت من بیاید، شفای بیمار تو را از عمویم می طلبم.

این بانو می گوید: پس از بیدار شدن از خواب، خشـنود شدم، و به دسـتور حضـرت معصومه علیها السـلام عمل کردم، شخص بیمـارم را به آن مکـان خـاص از حرم حضـرت معصومه علیها السـلام بردم، او به محض این که در آن مکان نشـست، احساس سلامتی کرد، و با خوشحالی گفت: خوب شدم و شفا گرفتم.(۱)

۱۱– توجّه حضرت معصومه علیها السلام به خدمت گزار شهداء

آقای سیّد ابوالفضل رضوی زاده یکی از خدمت گزاران حرم مطهر می گوید: در اوایل جنگ که شهدا را برای طواف به حرم مطهر حضـرت معصومه علیها السـلام می آوردند مجلس آن ها را با سـینه زنی، نوحه سـرایی، مدّاحی و هر کاری که از دسـتم می آمد، برای رضای خدا گرم می کردم. یکی از شب ها، آقای اشعری مداح

ص:۸۲

۱- ۱۲۶. چهره درخشان قمر بنی هاشم علیه السلام، ج ۳، ص ۳۷۴.

اهـل بیت علیهم السـلام به من گفت: سیّد ابوالفضـل! شب چهارشـنبه برای دعای توسل به گلزار شـیخان بیا کارت دارم. وقتی رفتم، بعد از مراسم دعا به من گفت: مادرم خواب پسـر شـهیدش دیده و او سـراغ شـما را گرفته و از مادرم پرسیده که آیا سیّد ابوالفضـل زنـده است یـا مرده؟ مادرم به برادر شـهیدم گفته: حالا چرا سـراغ ایشان را می گیری؟ و او در جواب گفته: وقتی به شهیدان پیوسـتم، همگی آن ها سـراغ سـیّد را از من گرفتند و او را دعا کردند و گفتند: سـیّد آدم خوبی است، چون در مراسم شهدا خیلی خدمت می کند. به همین خاطر مورد توجّه بی بی حضـرت معصومه علیها السـلام و امام زمان علیه السلام هستند و ما از او راضی هستیم.

۱ - تولیت محترم آسـتانه حضرت معصومه علیها السلام در حدود ساعت ۹/۵ صبح روز جمعه ۲۱ دی سال ۱۳۸۰ در جلسه ای که در سـیمای تلویزیون قم کانـال یـک، پخش می شـد چنین فرمود: پـانزده روز قبل چنـد نفر ترک زبان، به دفتر من آمدنـد، چون فارسـی نمی دانسـتند یـک نفر مترجم خواستیم، او آمـد و سـخنان آن هـا را برایم ترجمه می کرد، ماجرا از این قرار بود: دختر پانزده ساله ای کنار مادرش در رو به روی من ایسـتادند، مادر گفت: این دختر من یک سال است که بیمار روانی بود، و حال غیر عادی داشت، گفتم: مدارک دارید؟ او مدارک متعدد نشان داد، همراه عکس ها، فلیم ها، نسخه ها، نظریه پزشک ها و ... که همه مـدارک مورد بررسـی قرار گرفت، و همه آن هـا صـحیح بود و بر بیمـاری روانی آن دخـتر دلالـت داشت. مـادر افزود: یک شب همین دخترم از خواب برخاست و گفت: مرا به قم ببر! ما در اطراف زنجان سکونت داریم.(۱)

۱- ۱۲۷. ماهنامه کوثر.

بی بضاعت می باشیم، به دخترم گفتم: پول ندارم که خرج سفر را تأمین کنم و شما را به قم ببرم، دخترم گفت: گوشواره ام را بفروشید. من قبول کردم گوشواره اش را فروختم و با پول آن همراه دختر به قم سفر کردیم، صبح زود وارد حرم شدیم، کنار ضریح به حضرت معصومه علیها السلام متوسل شده و با سوز و گداز و گریه شفای دخترم را طلبیدم، دخترم نیز همین سوز و گداز را داشت، ولی همان حالت بیماری روانی او در چهره او دیده می شد، ناگاه دیدم دخترم جیغ و فریاد زد، گفتم چه شده. گفت: ده دوازده نفر مرد را در اینجا می بینم به من می گویند: برخیز. به آن ها می گویم نمی توانم برخیزم، باز دختر به حالت روانی خود فرو رفت و سکوت کرد. پس از مدتی با جیغ و فریاد برخاست و گفت: خوب شدم آن ده دوازده نفر به من گفتند: خانمی می آید و تو به دست او شفا می یابی، آن ها رفتند و خانمی آمد و به من فرمود: برخیز! گفتم: نمی توانم، فرمود: برخیز تو دیگر بیمار نیستی.

در این هنگام دختر که در دفتر بود، گریه کرد و گفت: من یک سال بود چیزی را درک نمی کردم، اکنون همه چیز را درک می کنم.

من به مادر دختر گفتم: شاید این دختر، امروز خوب شده باشد، شما بروید و پس از یک هفته به اینجا بیایید و گزارش کار را بدهید، آن ها قبول کردند، مخارج سفر را به آن ها دادم، آن ها رفتند و پس از هفت روز از زنجان بازگشتند و دختر گفت: از آن لحظه شفا تاکنون کاملاً خوب شده ام و هیچ گونه عارضه ندارم. در این هنگام اطمینان به شفا دادن حضرت معصومه علیها السلام پیدا کردیم و گفتم: برای اطلاع مردم، نقاره را به صدا در آوردند. نقاره چند روز قبل به صدا در آمد و آن ها که در اطراف حرم بودند، صدای آن را شنیدند و از این کرامت اطلاع یافتند.

فصل پنجم امام زادگان مدفون در قم

امام زادگانی که در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام مدفونند

صرف نظر از بانوانی که قبرشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام است: امام زادگان و سادات جلیل القدر نیز در اطراف روضه مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شده اند، و دارای چندین قبّه جداگانه بوده اند که اکنون جزء بیوتات آستانه درآمده است، این گروه عبارتند از:

۱ - سیّد ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر بن محمّد بن اسماعیل بن امام صادق علیه السلام

۲ - حمزه بن احمد بن امام سجاد علیه السلام

۳ - ابو جعفر محمّد بن حمزه ۴ - ابوالقاسم علی بن محمّد بن حمزه ۵ - علی بن حمزه ۶ - ابوعلی احمد الحظیب الشجری ابن امام سجاد علیه السلام ۷ - ابوجعفر محمّد بن احمد ۸ - ابومحمّد حسن بن احمد. ۹ - ابوعلی احمد بن حسن که همه آن ها از بزرگان امام زادگان و سادات بوده اند.(۱)

موسی مبرقع

نخستین کسی که از فرزندان امام در سال ۲۵۹ ه.ق به قم آمد، حضرت موسی بن امام جوادعلیه السلام است و فرزند بلافاصل امام نهم می باشند و قبر مبارکش

۱- ۱۲۸. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۶.

به نـام بارگـاه شـاه زاده موسـی مبرقع در کنار مقبره چهل اختران واقع در خیابان آذر شـهر قم معروف و مشـهور است، وی در شب چهارشنبه ۲۲ ربیع الثانی سال ۲۹۶ از دنیا رفت و اکنون مزار او با گنبد و صحن باشکوه مورد توجّه است. (موسی شمایلی زیبا و صورتی نورانی داشت و به روی خود نقاب می افکند، از این رو او را موسی مبرقع خواندند.)

او شخصـی جلیل القدر بود، محدث نوری کتاب مستقل به نام (بدر مشعشع) در زندگانی او نگاشته است، همه سادات رضوی از نسل او هستند محلّی که هم اکنون مرقد او در آن قرار گرفته، خانه او بوده است و در کنار قبرش یکی از نواده هایش احمد بن محمّد بن احمد بن موسی مبرقع مدفون است.(۱)

امام زادگان معروف قم

هنگامی که حضـرت رضاعلیه السـلام ناگزیر شـد به دعوت مأمون در سال ۲۰۰ه.ق از مـدینه به خراسان آمـده و مأمون ولایت عهدی حکومت را به آن حضـرت واگذارد امام زادگان بسیار و سادات عالی مقام به شوق دیدار حضـرت رضا علیه السلام از حجاز به ایران آمدند، ولی با دشـمنان اهل بیت علیهم السـلام روبرو شدند، بعضی به شهادت رسیدند و بعضی متواری گشتند، بسـیاری از آن ها به خاطر آن که قم در آن عصـر، مرکز شـیعیان و طرفـداران خانـدان نبوت بود، به قم آمدنـد و در قم رحلت کردند. مطابق قول مشـهور ۴۴۴ امـام زاده (فرزنـد بلاـ واسـطه و با واسـطه امامان علیهم السـلام) وارد قم شدنـد و در قم اقامت نمودنـد، احمـد رازی یکی از نویسـندگان معروف عصـر شاه عباس کبیر (شاه معروف صـفویان) که شـرح مبسوطی درباره قم نوشته،

۱- ۱۲۹. منتخب التواریخ، ص ۴۹۱.

خاطر نشان ساخته است که سرزمین قم بیش از ۴۴۴ تن از اولاد و نوادگان امامان معصوم علیهم السلام در برگرفته است. شیخ زکی باغبان در اشعار عمیق خود می گوید:

هستند چهارصد و چهل و چار از شرف

مدفون به امر حقّ همه چون دُر در این صدف

اولاد مرتضی علی ان شاه لو کشف

فرقی مدان میان قم و کوفه و نجف

جان می دهند اهل خرد بر نثار قم(۱)

در اینجا به شرح امام زادگان معروفی که بی واسطه و یا با چند واسطه به امام معصوم علیه السلام می رسند به اختصار می پردازیم. بسیار شایسته و بجا است که زائران حضرت معصومه علیها السلام امام زادگان قم را فراموش نکنند و به زیارت قبور آن ها هم بروند، به راستی زیارت آن ها و اظهار ادب به پیشگاه آن ها زیارت و اظهار ادب به پیشگاه خود امامان علیهم السلام است.

چهل اختران

در کنار بقعه موسی مبرقع علیه السلام مرقد بزرگ با ساختمان شکوهمندی است که چهل اختران نام دارد، به طوری که از کتیبه ای که در آنجا در سال ۵۸۱ه.ق نوشته شده مقبره جمعی از سادات و امام زادگان است (در نزدیک چهل اختران اواخر خیابان آذر مزاری به نام سیّد سربخش هست، وی به اسماعیل بن محمّد بن جعفر الصادق علیه السلام معروف می باشد).

۱- ۱۳۰. باب الرضوان، ص ۲۰۴.

ولی بنای باشکوه ساختمان آن در سال ۹۵۰ ه.ق توسط شاه طهماسب صفوی ساخته شده است. در آنجا ام سلمه و ام کلثوم دختران محمّد بن احمد بن موسی مبرقع و جمعی دیگر، دفن شده اند و همچنین قبر محمّد بن احمد بن موسی مبرقع و محمّد بن موسی مبرقع در آنجا است.(۱)

شاه حمزه

یکی دیگر از امامزادگان معروف، حمزه بن موسی بن جعفرعلیه السلام برادر شاه چراغ شیراز (احمد بن موسی بن جعفر) است. که در مقبره او اختلاف است، که آیا همین است که در قم در کنار خیابان آذر، بارگاه مجللی دارد و یا بارگاه معروف کنار بقعه حضرت عبدالعظیم، و یا در اطراف شیراز بقعه ای است که به نام حمزه بن موسی بن جعفرعلیهما السلام می باشد.(۲)

شاه زاده احمد

در کنار قبر امام زاده حمزه مقبره دیگری معروف به امام زاده احمد هست که نسبت او را چنین نوشته اند: احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفرعلیه السلام.(۳)

امام زاده سلطان محمّد شریف

سلطان محمّد شریف بن علی بن محمّد بن حمزه بن احمد بن محمّد بن

ص:۸۸

۱- ۱۳۱. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۸.

۲- ۱۳۲. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱.

۳- ۱۳۳. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۲.

اسماعیل بن محمّد بن عبداللّه الباهرین امام زین العابدین علیه السلام در سمت دروازه قلعه، بقعه و گنبد متوسطی دارد و آن محلّه در قم معروف به نام او می باشد. آن جناب از امام زاده های بسیار جلیل القدر و معتبر قم است و جد بزرگوار امام زاده یحیی مدفون در تهران می باشد، از تعبیرات عالی المضامینی که علّامه بزرگوار شیخ منتخب الدین در اوّل فهرست خود که به اسم امام زاده سلطان محمّد شریف و امام زاده یحیی تألیف نموده جلالت قدر آن دو بزرگوار معلوم می شود.(۱)

امام زاده علی بن جعفرعلیه السلام

علی بن جعفر الصادق علیه السلام عریضی، مردی عالم و پرهیزکار بوده و زمان چهار امام را درک کرده است، قبر مقدسش در آخر خیابان چهار مردان معروف به در بهشت است و دارای صحن و ضریح چوبین و بارگاه مجللی می باشد. رواقش از کاشی های قرن هشتم آراسته شده و از آن کاشی ها در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام موجود است. دو مزار دیگر نیز به او منسوب هستند:(۲)

۱ - در خارج قلعه سمنان

۲ - در قریه عریض در یک فرسخی مدینه.

باغ گنبد سبز

در بیرون دروازه کاشان (آخر چهارمردان) باغی بود معروف به باغ گنبد سبز

۱- ۱۳۴. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۲.

۲- ۱۳۵. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱؛ رجال کشی، ص ۳۳۰؛ رجال شیخ طوسی، ص ۲۵۸.

که در آن جـا سه بقعه مجلـل و ممتـاز هست که منسوب به بزرگـان و شخصـیت های برجسـته قم می باشـد و اکنون آن باغ به میدان و ساختمان تبدیل شده است. در مقابل گنبد سبز، بقعه ای است که در کتیبه آن نوشته شده مضجع ابراهیم بن موسی بن جعفرعلیهما السلام.(۱)

امام زاده سیّد علی معروف به شاه سید علی علیه السلام

مرقـد این امام زاده در دروازه ری (خیابان ۱۵ خرداد) واقع شـده است، نسب نامه وی چنین است: علی بن ابراهیم بن ابی جعفر حسن بن عبیداللّٰه بن ابی الفضل العباس بنابر این حضـرت عباس علیه السـلام جد سوم او است. این امام زاده مورد توجّه خاص مردم است و همواره زائران بسـیار دارد و مردم کرامات فراوان از محضـر او دیده اند، او نوزده پسر داشت، از جمله عبیداللّٰه بن علی که سـیدی شـجاع بود، و کتاب جعفریات را که دوره کامل فقه شـیعه در چنـد جلـد است، تألیف نموده در سال ۳۱۲ ه.ق رحلت کردند.(۲)

امام زاده احمد

در نزدیکی مزار شاه زاده سیّد علی، مزار شاه زاده احمدعلیه السلام است، مطابق آنچه در روی قبرش نوشته شده: این بزرگوار از نوادگان محمّد بن حنفیه است، دارای بقعه و صـحن متوسط و گنبدی از کاشـی می باشد، و در صـفحه سـقف آن، نام های مبارک چهارده معصوم علیهم السلام را به خط ثلث از گچ بیرون آورده اند.(۳)

۱- ۱۳۶. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۰۸؛ منتخب التواریخ، ص ۴۹۳.

۲- ۱۳۷. گنجینه آثار قم ج ۲، ص ۲۶۲.

۳- ۱۳۸. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱.

امام زادگان خاک فرج

در انتهای خیابان خاکفرج، مرقد شریف دو امام زاده (پدر و پسر) به نام های: امام زاده احمد و امام زاده علی، ملقب به حارث، از نوادگان امام سجادعلیه السلام قرار گرفته، که دارای بارگاه مجللی و صحن و سرای زیبا است.(۱)

امام زاده صفورا و عمویش

در پشت بارگاه امام زاده خاک فرج، بقعه ای وجود دارد، معروف به بقعه صفوراء که از نوادگان حضرت علی علیه السلام می باشد، در جنب مرقد حضرت صفوراعلیها السلام مرقد عموی او معروف به امام زاده محمدعلیه السلام از نوادگان حضرت علی علیه السلام قرار گرفته است، بنای گنبد این مرقد در سال ۳۷۸ ه.ق ساخته شده که کلمه صفورا به حساب ابجده مطابق با ۳۷۸ است که نشان دهنده سال وفات سیّده صفورا و سال بنای بقعه و گنبد او است.(۲)

امام زاده ناصرعلیه السلام

امام زاده ناصر از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد که معروف به شاه زاده ناصرعلیه السلام است که بقعه او در خیابان آذر روبروی در بزرگ مسجد امام، نزدیک پل قرار داد. نسب نامه او چنین است: ناصرالدین علی بن مهدی بن محمّد بن حسین بن زید بن محمّد بن احمد بن جعفر بن محمّد بن عبدالرحمن بن محمّد البطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن

۱- ۱۳۹. منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۰.

۲- ۱۴۰. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۸ و ۲۸۷.

مجتبی علیه السلام، که در اواخر قرن هشتم و آغاز قرن نهم می زیسته و از شخصیت های برجسته آن زمان بوده است.

و این که به زبان عوام، معروف است که در این بقعه مرقد احمد بن اسحاق قمی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم قرار داد، نادرست است،این توهم از اینجا ناشی شده که گفته اند احمد بن اسحاق، مسجد امام را به امر امام حسن عسکری علیه السلام ساخت و قبرش در کنار همین مسجد قرار داد، ولی حقیقت این است که احمد بن اسحاق رحمه الله هنگام بازگشت از سامرا، در سرزمین سرپل ذهاب نزدیک اسلام آباد غرب وفات یافت و در همانجا به خاک سپرده شد و در آنجا دارای گنبد و بارگاه است.(۱)

شاه زاده احمد قاسم علیه السلام

از جمله امام زادگان معروف قم، شاه زاده احمد فرزند قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام است. او مردی پرهیزکار و عابد بود. قبر شریفش در جنوب قم در محله دروازه قلعه واقع است. فاطمه خواهر گرامیش نیز در همانجا دفن است، بقعه و صحن متوسطی دارد و تاریخ بنای آن را سال ۷۰۸ ه.ق نوشته اند.(۲)

امام زادگان دیگری نیز در قم و اطراف قم وجود دارند که شرح حال آن ها در کتاب های زیر آمده است که علاقه مندان می توانند به آن ها مراجعه نمایند.

۱- ۱۴۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۴.

۲- ۱۴۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۴؛ فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۱۶.

مختار البلاد در تاریخ قم تألیف ناصرالشریعه، راهنمای قم تألیف آقای برقعی گنجینه آثار قم تألیف آقای عباس فیض، ترجمه تاریخ قم و باب الرضوان فی مناقب سلطان خراسان.

ص:۹۳

فصل ششم: مساجد معروف و شخصیّت هاو پادشاهان مدفون در قم

مساجد معروف قم

اشاره

در شهر مذهبی قم مساجد فراوانی وجود دارد، در اینجا نظر خوانندگان محترم را به معرفی چند مسجد معروف و قدیمی جلب می کنیم:

۱ – مسجد مقدّس جمکران

یکی از مساجد معروف و مشهور قم، مسجد شریف جمکران است که در نزدیکی و در طرف شرقی شهر مقدّس قم، سمت جاده قم کاشان واقع شده است که از همان آغاز بنا تا به امروز، شیفتگان و دلدادگان حضرت مهدی علیه السلام با حضور گرم و خالصانه خود و با سرشک اشک و ناله، خاضعانه چشم به راه فرج مبارکش به دعا و نماز و زاری می پردازند.

تاریخچه این مسجد مقدّس طبق نقل محدّث بزرگ شیعه مرحوم میرزا حسن نوری رحمه الله در کتاب شریف نجم الثاقب چنین است: شیخ فاضل حسن بن محمّد بن حسن قمی که از بزرگان و علمای شیعه و هم زمان با شیخ صدوق رحمه الله بوده، نقل کرده است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی که یکی از صلحا است،

می گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان ۳۹۳ ه.ق در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عدّه ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را طلب نموده است.

حسن می گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم. آواز دادند که «هو ما کان قمیصک»، آن پیراهن را نپوش که از تو نیست. دست بردم و شلوار خود را برگرفتم، ندا آمد که «لیس ذلک منک فخذ سر او یلک»، آن شلواری که بر گرفتی از تو نیست، از آنِ خود را بردار. آن را انداختم و شلوار خود را برگفتم و پوشیدم، آن گاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را باز کنم، آواز دادند که درب باز است.

چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند. آن ها مرا به مکانی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن پهن و بالش های فاخر بر آن نهاده و جوانی سی ساله بر آن تخت و بر چهار بالش تکیه کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می خواند و بیشتر از شصت مرد اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه های سفید و بعضی دیگر جامعه های سبز بر تن داشتند. آن پیرمرد حضرت خضرعلیه السلام بود و مرا اَمر به نشستن نمود، آن گاه امام علیه السلام اسم مرا بردند و فرمودند: برو به حسن مسلم بگو: تو پنج سال است که این زمین را تصرّف کرده و در آن کشاورزی می نمایی، ولی ما آن را خراب می کنیم.

ص:۹۵

این زمین شریفی است و حقّ تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال بازهم آن را مرتّب نموده ای تا در آن به کشت و زرع بپردازی و حال آن که تو را چنین اجازه و حقی نیست.

بنابراین هر بهره و نفعی که تا به حال از این زمین برگرفته ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند.

خـدای عزّوجـلّ به خاطر این امرِ خلافی که انجام داده ای و آن را جزء زمین خود گرفته ای، دو پسـر جوان تو را باز گرفت امّا آگاه نشدی، اگر باز هم بخواهی چنین کنی کیفر الهی آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید.

عرض کردم: ای آقـا و مولایم! برای این موضوع بایـد نشانه و علامتی داشـته باشم؛ زیرا مردم بـدون نشانه سـخن مرا قبول نمی کننـد. امـام علیه السـلام فرمود: ما در اینجا علامت و نشانه قرار می دهیم. تا سـخن تو را تصـدیق نماینـد، تو برو و رسالت ما را انجـام بـده. در قم نزد سیّد ابوالحسن برو، به او بگو تا با تو بیایـد و حسن بن مسـلم را حاضـر نمایـد و منافع چنـد ساله را از او بگیرد و به مصـرف بنای مسـجد برساند. بقیه مخارج را از قریه رهقِ اردهال که ملک ماست بیاورند و ساختمان مسـجد را تمام کنند، نصف روستای رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله درآمد آن را بیاورند و صرف ساختمان مسجد نمایند.

مردم را بگو تا به این مکان رغبت نمایند و آن را عزیز دارند.

هم اکنون به همت تولیت محترم و کمـک هـای مؤمنین و خیرین علاـقه منـد به وجود مبـارک حضـرتش شاهـد توسـعه فضای مسجد هستیم و امیدواریم هرچه زودتر به نحوی که در خور شأن این مکان شریف است به پایان رسد.

ص:۹۶

۲ – مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

این مسجد عظیم نزدیک حرم (بین حرم و بازار، در خیابان حضرتی) واقع شده که به صورت ابتدایی توسط احمد بن اسحاق اشعری قدس سره به امر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته گردید، بدیهی است که سال های بعد به توسعه و تعمیرات و بازسازی های جدید پرداخته شد. در دوران صفویه و قاجاریه تغییرات و اضافاتی در آن شده است و نیز توسط مرحوم آیت اللّه میرزا ابوالفضل زاهدی رحمه الله قسمت سرداب و مسجد بالای سرداب به طور کلی عوض شده و اخیراً نیز توسط حضرت آیه اللّه العظمی صافی گلپایگانی قدس سره به صورت گسترده طبق معماری جدید مسجد توسعه یافته است.

۳ – مسجد جامع (جمعه)

این مسجد از بناهای قدیمی است، تاریخ اصل بنای آن درست روشن نیست ولی تاریخ کتیبه بالای ایوان بزرگ را **۵۲۹** ه.ق نوشته اند. امّا این تاریخ سند ساخت مسجد به شمار نمی آید. این مسجد از نظر قدمت و وسعت و مجلل بودن بنای آن تاریخی و دینی است. این مسجد در عصر حضرت رضا علیه السلام وجود داشته است و دعبل خزاعی اشعار خود را در آن، برای مردم خوانده است.

۴ – مسجد عشقعلی

از بناهای قدیمی و ظاهراً در دوره شاهان صفوی ساخته شده است و در اوائل خیابان چهار مردان قم می باشد. معلوم نیست که وجه نام گذاری این مسجد به عشقعلی به خاطر آن است که نام بانی آن عشقعلی بوده است و یا به عشق علی علیه السلام این مسجد را ساخته اند؟

ص:۹۷

۵ – مسجد بالاسر

این مسـجد در کنار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و اینک به صورت بسیار جالب و وسیعی در آمده است (نامش مسـجد است و جزء حرم می باشد، ولی مسـجد شـرعی نیست، زیرا محل دفن اموات است) بسیاری از مراجع و بزرگان علم و شهیدان والا مقام انقلاب اسلامی در این مکان مقدّس به خاک سپرده شده اند.

۶ – مسجد محلّه پنجه علی

این مسجد در محلّه پنجه علی واقع شده درباره ساخت این مسجد دو قول را ذکر نموده اند:

یکی این که چون بالای محراب مسجد جای پنجه ای است، لذا گویند پنجه علی علیه السلام است.

و دیگر آنکه ظاهراً پنج نفر که نام آن ها علی بوده، آن را ساخته اند، از این رو به چنین نامی شهرت یافته است.

این مسجد در سال ۸۸۶ه.ق ساخته شده است.(۱)

۷ – مسجد اعظم

از مساجـد بسـیار عظیم و بـا اهمیت قم است که در کنـار حرم حضـرت معصـومه علیهـا السـلام واقع شـده و در قم از نظر بنـا و ساختمان و اهمیت، بی نظیر است. این مسجد به امر حضرت آیه اللّه العظمی بروجردی قدس سره ساخته شده است. روز ۱۱

ص:۹۸

۱– ۱۴۳. فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۱۵.

ذی العقده ۱۳۷۳ ه.ق مصادف با ولادت حضرت رضا علیه السلام حضرت آیت اللّه العظمی بروجردی اولین کلنگ بنای آن را طی مراسم با شکوهی برزمین زدند. و در کنار آن وضوخانه مجهزی نیز ساخته شد و آن وضوخانه در سال ۱۳۷۴ شمسی به همّت تولیت آستانه تجدید بنا گردید.

و هم اکنون زائرین با کمال راحتی از این مسجد استفاده می کنند. این مسجد از آغاز تاکنون همچون یک دانشگاه بزرگ، محل تدریس آیات و مراجع بزرگ بوده و هست و طلاب علوم اسلامی اکثر استفاده را از آن نموده اند.

شخصیت های برجسته شیعه در قم

قابل توجّه این که: وجود افراد گران مایه و عالی مقام و شخصیت های برازنده که مورد لطف و نظر امام معصوم علیه السلام بودند، و در شیعه بودن خود استوار و پابرجا بودند در این موضوع در شیعی بودن مردم قم بسیار مؤثر بوده، بلکه می توان یگانه عامل بروز تشییع مردم قم را از آنان دانست که امام برحقشان فرمود: «لُولا القُّمِیّونَ لَضاعَ الـدِّینُ» «اگر قمی ها نبودند، دین نابود می شد.»(۱)

این افراد لایق که پرورده مکتب امامان معصوم علیهم السلام بودند، مرکز خود را قم قرار دادند، آنها بیش از صد نفر بودند که برخی از آن ها بارها به محضر امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام رسیده بودند. و بعضی صاحب فتوا و از طرف امام علیه السلام در قم نیابت داشتند، به عنوان مراعات اختصار در اینجا نام چند نفر از آن ها را می بریم:

۱- ۱۴۴. سفینه البحار، {قم}

مانند آدم بن اسحاق، زکر یا ابن ادریس، زکریا بن آدم که حضرت رضا علیه السلام وی را ستوده است. (قبر مبارک هر سه در قبرستان شیخان قم است) اسحاق بن آدم و اسحاق بن عبداللَّه از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل روایت می کنند، و آدم بن عبداللَّه بن سعد قمی از اصحاب امام صادق علیه السلام است و ابراهیم بن هاشم ابواسحاق قمی که از اصحاب امام رضا علیه السلام است و عمران بن عبداللَّه و ... .

(شرح حال هرکدام از این بزرگان در کتب رجالی به طور مشروح آمده است)

شخصیت های معروف مدفون در قم

شخصیت های برجسته ای که در طول تاریخ، در قم به خاک سپرده شده اند بسیارند، در اینجا به لحاظ رعایت اختصار به بعضی از این بزرگان اشاره ای داریم:

۱ - علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابوبه پدر شیخ صدوق رحمه الله وی به سال ۳۲۹ ه.ق در قم وفات یافت، مرقدش دارای بارگاه باشکوهی است که جنب آغاز خیابان چهارمردان در قسمت چپ، قرار گرفته است.

۲ - زکریا بن آدم از اصحاب امام رضا علیه السلام

۳ - علی بن ابراهیم مفسر بزرگ و معروف و محمّد بن قولویه که قبرشان در کنار باغ شهرداری سابق قم می باشد.

۴ - قطب راوندی محدث و فقیه بزرگ شیعه در قرن ششم که قبرش در صحن نو، قسمت جنوب، مرتفع و مشخص است.

۵ - آیت اللَّه میرزای قمی قدس سره که در سال ۱۲۳۱ ق در ۷۹ سالگی وفات کرد و قبرش در شیخان قم مزار شیفتگان و حاجتمندان است.

ص:۱۰۰

۶ – مرحوم آیت اللّٰه سیّد محمّد حسینی کوه کمری معروف به حجّت از مراجع تقلید، وی در سال ۱۳۷۲ ه.ق وفات کرد و مرقد شریفش در حجره ای جنب مدرسه حجتیه است.

۷ – مرحوم آیت اللّٰه العظمی بروجردی رحمه الله که در ۱۲ شوال سال ۱۳۸۰ ه.ق مطابق با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ شمسی در قم در ۸۸ سالگی وفات کرده قبر شریفش در راهرو مسجد اعظم قم در کنار مسجد بالاسر است.

۸ – آیت اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم که در ۷۹ سالگی در سال ۱۳۵۵ ه.ق وفات کرد، که مرقدش در مسجد بالاسر است.

۹ – آیت اللّٰه العظمی سیّد محمّد تقی خوانساری.

آیت اللّٰه العظمی سیّد محمّد رضا گلپایگانی، آیت اللّٰه العظمی شیخ محمّد علی اراکی، آیت اللّٰه شیخ هاشم آملی، آیت اللّٰه سیّد ابوالحسن رفیعی و آیت اللّٰه سیّد رضا بهاء الدینی، آیت اللّٰه شیخ جواد تبریزی، آیت اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم قمی، آیت اللّٰه شیخ مرتضی حائری، آیت اللّٰه سیّد مرتضی پسندیده اخوی گرامی حضرت امام رحمه الله، آیت اللّٰه شیخ فضل اللّٰه نوری، آیت اللّٰه سیّد محمّد محقق داماد، آیت اللّٰه شهید مطهری و مفتح و آیت اللّٰه ربانی شیرازی و ...

پادشاهان مدفون در قم

شاهانی که در قم مدفونند، شش تن می باشند، چهار نفر آن ها از پادشاهان صفوی، دو نفر آن ها از شاهان قاجاریه که به ترتیب ذیل می باشند:

ص:۱۰۱

۱ – شاه صـفی اول پسـر صفی میرزا، پسر شاه عباس کبیر. نامش سام میرزا بوده و چون به تخت سلطنت نشست نام خود را شاه صفی نهاد، وی در سن ۱۷ سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۵۲ه.ق در سن سی و یک سالگی وفات نمود. جنازه اش را به قم حمل کردند و در ناحیه جنوبی حرم مطهر مدفون گردید. سابقاً برروی قبرش صندوق بزرگی بود ولی اکنون در رواق زنانه واقع شـده و قبرش بـا سـطح رواق مساوی است و صـندوق قبرش که در آن ظریف کاری های شـده است در موزه آسـتانه می باشد.

۲– شاه عباس دوم پسـر شاه صفی در سن ده سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۷۷ در خسرو آباد دامغان وفات نمود جنازه اش را به قم حمل نمودند و در ناحیه جنوبی غربی حرم، جایی که اکنون به نام مسجد امام خمینی رحمه الله است دفن نمودند.

۳ – شاه سـلیمان پسـر شاه عباس ثانی، در سال ۱۱۰۵ در سن چهـل و نه سـالگی از دنیا رفت، جنازه اش را به قم آوردنـد و در بقعه ای که در ناحیه جنوبی مسجد بالاسر است به خاک سپردند.

۴ – شاه سـلطان حسـین پسـر شاه سـلیمان که در سـرای سلطنتی به دست اشرف افغان کشته شد. جنازه بی سرش را به قم حمل کردند و در قسمت جنوبی مسجد بالاسر در کنار قبر شاه سلیمان دفن نمودند.

۵ – فتحعلی شـاه قاجار در سال ۱۲۵۰ در سن ۶۷ سـالگی در اصـفهان وفات نمود جنازه اش را به قم حمل کردنـد و در طرف شمال صحن کهنه در بقعه مخصوصی که خودش در حال حیاتش آنجا را ساخته بود مدفون گردید.

ص:۱۰۲

۶ – محمد شاه قاجار پدر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ در تجریش وفات یافت و جنازه اش را به قم حمل کردند و در قسمت غربی صحن کهنه در بقعه ای که جنب راهرو و مدرسه مادر شاه(۱) بود دفن نمودند(۲)

بایـد توجّه داشت که شاه زادگان بسـیاری هم در جنب مرقـد مطهر حضـرت معصومه علیها السـلام مدفونند و همچنین از طبقه وزیران و حکّام و ... نیز مدفونند مانند علی اصـغر اتابک که صدراعظم ایران در زمان ناصـرالدین شاه و مظفر الدین شاه بود و صحن نو را ساخت که به صحن اتابکی معروف است و همچنین کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه، پروین اعتصامی و ... .(۳)

---

۱ – ۱۴۵. مـدرسه مادر ناصـر الـدین شاه به نام مهـد علیا مـدرسه کوچکی از بناهای مادر ناصـر الدین شاه، جنب بقعه مادر شاه بوده است که فعلاً قسـمتی از آن دست خدام و قسـمت دیگرش خراب شده و جزء مسجد اعظم گردیده است و دیگر صورت مدرسه را ندارد و قسمتی از آن هم اکنون به صورت دفتر تشریفات حرم مطهر است.

۲– ۱۴۶. حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۲۹۱ – ۲۹۰.

۳– ۱۴۷. تاریخ مذهبی قم، ص ۱۵۹ تا ۱۵۶.

منابع

۱ - احتجاج طبرسی، طبرسی.

۲ - اختیار معرفه الرجال، کشی.

۳ - ارشاد، شیخ مفید.

۴ - اصول کافی، محمّد بن یعقوب کلینی.

۵ - الغدیر، علامه امینی

۶ - الکرام الیرره، شیخ آغا بزرگ طهرانی.

۷ - النقض، عبدالجلیل قزوینی رازی.

۸ - انوار المشعشعین، محمّد علی بن حسین کچوئی قمی.

۹ - باب الرضوان، شیخ زکی باغبان.

۱۰ - بانوی ملکوت، علی کریمی جهرمی.

۱۱ - بحارالانوار، محمّد باقر مجلسی.

۱۲ - برستیغ نور، شرح حال آیت اللّه نجفی مرعشی.

۱۳ - تاریخ قم، حسن بن محمّد بن حسن قمی.

۱۴ - جامع الدرر، حاج آقا حسین قمی.

۱۵ - چهره درخشان قمر بنی هاشم، علی ربّانی خلخالی.

۱۶ - حضرت معصومه، فاطمه دوم، محمّدی اشتهاردی.

۱۷ - زندگی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده.

۱۸ - زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، علی اکبر مهدی پور.

۱۹ - سفینه البحار، شیخ عباس قمی.

۲۰ – شیعه در اسلام، علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی.

۲۱ – عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق

۲۲ – فتوح البلدان، بلاذری.

۲۳ – فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی.

۲۴ – کشف الغمه، اربلی.

۲۵ – گنجینه آثار، ج ۲ و ۱، عباس فیض.

۲۶ – ماهنامه کوثر، نشریه آستانه مقدّسه قم.

۲۷ – مجالس المؤمنین، شیخ عباس قمی.

۲۸ – مصباح الشریعه

۲۹ – معجم البلدان، بلاذری

۳۰ – منتخب التواریخ، ملاهاشم قزوینی خراسانی.

۳۱ – منتخب طریحی، عبدالحسین.

۳۲ – منتهی الآمال، شیخ عباس قمی.

۳۳ – وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی.

۳۴ – ولاءها و ولایت ها، علّامه شهید مرتضی مطهری.

و کتاب های دیگر.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹